هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

طالبان پنج سال پس از شکست
ص۳

طـالبـان، بـاز گشـت بعد از سقوط
ص۲

حکمت ها و اسرار روزه در اسلام
ص۷

دور هفتم | سال پنجم | شمارهٔ بیست و سوم | چهارشنبه ۵ میزان ۱۳۸۵ | ۵ رمضان المبارک ۱۴۲۶ – | September 27 , 2006

دیـدار سـه جـانبـهٔ کـرزی و بـوش و مشـرف در قصـر سفیـد







امروز قرار است رؤسای جمهور کشور و رئیس جمهور پاکستان با رئیس جمهور بوش در قصر سفید صورت پذیرد. شاید این دیدار سه جانبه مهم ترین بخش سفر آقای کرزی به امریکا را در این سفر بسازد.

این دیدار زمانی صورت می گیرد که رئیس جمهور آمریکا از پیش با هر یک از رؤسای جمهور کشور و رئیس جمهور پاکستان به گونهٔ جداگانه دیده است. بی تردید مهم ترین مسأله یی که در این دیدار ها مطرح شده است، مسألهٔ امنیت و اوج گرفتن تازهٔ حملات طالبان در افغانستان است.

پاکستان از آغاز در به وجود آوردن طالبان و حمایتش تا امروز از آنان مورد تأکید رهبران افغانستان قرار دارد و اقای کرزی در این سفر این مسأله را در مواضع مختلف چندین بار به تلویح و تصریح بیان کرد و پاکستان همواره این سخن را رد کرده و مدعی شده است که خود دولت آقای کرزی مشکل دارد و نتوانسته است یاری مردمش را جلب کند.

پرویز مشرف رئیس جمهور پاکستان این سخن را بارها به ویژه در مناسبت های گونه گون در این سفرش تکرار کرده است. به گزارش بی بی سی او با لحنی اهانت آمیز آقای کرزی را متهم کرد که از اوضاع کشورش آگاهی درست ندارد و گفت که رئیس جمهور کرزی هر چه زود تر کشور خود را درک کند، اوضاع برایش آسانتر خواهد شد"

پرویز مشرف در این سفر بسیار پر طمطراق تر از سفرهای دیگرش سخن رانده است، او همزمان با این سفر کتاب خاطراتش را در آمریکا چاپ و آمادهٔ فروش کرده است که در آن بسیاری از رازهای دوران مبارزه با تروریسم را باز گفته است و در آن تصریح کرده است همکاری او در این جنگ از سر رضا که از ناگزیری برای حفظ منافع پاکستان بوده است. لحن او در این سخنان به لحن یک فرماندهٔ پیروزمند جنگ شباهت دارد تا با یک سیاستمدار محتاج، برخلاف آنچه در آغاز جنگ برضد تروریسم از خود نشان می داد.

اما محمد طیب جواد سفیر افغانستان در آمریکا که در دیدار دو جانبهٔ آقای کرزی و رئیس بوش حضور داشته است به بی بی سی گفت که آقای کرزی در این دیدار اسناد و شواهدی محکمی را به رئیس جمهور آمریکا ارائه کرده است که دخالت پاکستان در امور افغانستان و حمایت آن را از جنگجویان طالبان و تربیت آنان در خاک آن کشور را ثابت می سازد.

آقای کرزی و آقای پرویز مشرف با این جنگ لفظی شدید با یک دیگر هر دو امروز به یک نشست سه جانبه به دیدار رئیس جمهور بوش می روند تا این مسأله را با داوری جورج بوش به گفتگو گیرند.

بسیاری از تحلیلگران به این باور هستند که این گفتگوی سه جانبه با یک چنین پیشینه یی گمان نمی رود در موضع پاکستان در قبال حمایت از طالبان تغییری وارد کند.



سخنی در حاشیهٔ سفر رئیس جمهور به امریکا

ص۳

وزیر دفاع ملی در مجلس نمایندگان:

عدم اعتماد بین نهادهای دولت و پرداختن افراطی به دموکراسی موجب بی ثباتی شده است



مجلس نمایندگان دیروز وزیر دفاع و وزیر داخله و رئیس امنیت ملی را احضار کرده بود که دربارهٔ عوامل و اسباب اوجگیری نا امنی های اخیر پاسخ بگویند.

ژنرال عبدالرحیم وردک وزیر دفاع در سخنانش دربارهٔ گسترش فعالیت های مسلح برضد دولت گفت: "شعارهای افراطی دموکراسی اوضاع این کشور را متشنج تر کرده است و سر دادن شعارهای افراطی دموکراسی، پیش از تأمین امنیت سراسری بی فایده است". او افزود: تأکید بر چنین شعارهایی از یک سو و عدم اعتماد نهادهای دولتی به یکدیگر سبب شده است که اوضاع امنیتی روز تا روز بدتر شود".

او دربارهٔ تشنج های اخیر در جنوب کشور گفت که طالبان از قبل برنامه ریزی کرده بودند زمانی که فرماندهی ماموریت نیروهای ائتلاف به نیروهای ناتو منتقل می شد، از فرصت استفاده کنند.

ژنرال وردک در مورد عملیات نظامی اخیر در جنوب غرب کشور گفت که ضرباتی سنگین بر شورشیان وارد گردیده است و آنان مجبور شده اند که عقب نشینی کنند.

اما جلسهٔ مجلس نمایندگان با حضور امر الله صالح رئیس امنیت ملی در پشت درهای بسته ادامه یافت و در وقت توضیحات او حتی از وارد شدن مأموران بلند پایه یی که با وزیران داخله و دفاع آمده بودند به مجلس جلوگیری شد.

این احضار مسؤولان دفاعی و امنیتی به مجلس نمایندگان در زمانی صورت می گیرد که فعالیت انتحاری و جنگی طالبان بسیار گسترش یافته است و حملات آنان تنها دیروز در هلمند و کابل و خوست و پکتیا هجده کشته و شماری زخمی برجای نهاده است.

واقف حکیمی سخنگوی جمعیت اسلامی افغانستان به بی بی سی:

جنـگ طالبـان بـر ضـد دولـت افغـانستـان نـا مشـروع بـود



روز سه شنبه رادیوی بی بی سی در برنامهٔ پشتو، میز گردی داشت زیر عنوان طالبان پنج سال پس از سقوط که در آن واقف حکیمی سخنگوی جمعیت اسلامی افغانستان و نصر الله ستانکزی استاد فاکولتهٔ حقوق دانشگاه کابل و عبدالسلام ضعیف سفیر وقت طالبان در اسلام آباد شرکت ورزیده بودند.

واقف حکیمی در پاسخ به سخن آقای ضعیف که طالبان برای تأمین امنیت برخاسته بودند گفت: طالبان هیچ وقت در جنگ برضد دولت اسلامی افغانستان از مشروعیت برخوردار نبودند و هیچ دلیلی شرعی برای این کار نداشتند بلکه به نام تأمین امنیت برضد یک دولت مشروع جنگیدند و فساد وفتنه ایجاد کردند. و آنچه طالبان به نام امنیت آورده بودند مدینه الأرواحی بیش نبود، امنیت آن است که مردم در سایهٔ آن بتوانند از حقوق خود استفاده کنند، امنیت آن نیست که کسی از ترس و وحشت نتواند آواز بلند کند.

همچنان واقف حکیمی در همین روز در پاسخ به سؤالی به بخش عربی رادیوی بی بی سی دربارهٔ عوامل گسترش حملات طالبان گفت: به باور من گسترده شدن فعالیت های طالبان عامل خارجی آن حمایت پاکستان از طالبان و مهم ترین عامل داخلی آن تکیه بر نیروهای خارجی به جای ساختن اردو و پلیس ملی نیرومند است که به دلائل فرهنگی و دینی ویژه هر قدر نیروهای خارجی شمارشان در افغانستان بیشتر شود به همان پیمانه فعالیت طالبان زمینهٔ پذیرش پیدا خواهد کرد.

او گفت: البته این مسأله عوامل اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی دیگر هم دارد.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی زنبق ـ هتل و رستورانت زنبق طلائی صندوق پستی : ۲۲۶
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahid1357.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

طالبان پنج سال پس از شکست

طالبان در ۵ میزان سال ۱۳۷۵ وارد کابل شدند و پنج سال واندی در این شهر و بخش هایی از کشور فرمان روایی کردند. بستند و کشتند و آتش زدند. مردم را در شمالی و بامیان و تخار و جای های دیگر قتل عام کردند و آنان را که از دم تیغ رهیده بودند به اجبار مهاجر ساختند. روند آموزش و پرورش متوقف شد و اقتصاد بی رنگ مردم به یک بارگی رنگ باخت و با ترویج تبعیض و برتری خواهی قومی وحدت ملی را بیشتر آسیب رسانیدند و افغانستان در این دوران بیشتر شبیه یک قبرستان شد تا یک کشور.

طالبان همه، این کارها و صدها کار همانند آن را به نام اسلام انجام دادند و از آن سیمای بسیار زشت در جهان تصویر کردند. آنان از حمایت بی دریغ پاکستان در همه، زمینه ها و از حمایت کشورهایی از دور و نزدیک برخوردار بودند. در برابر این سیل سیاهی دولت اسلامی افغانستان و جبهه، متحد ملی اسلامی برای نجات افغانستان تنها بی هیچ پشتوانه یی بیرونی قابل ذکر در برابر طالبان و القاعده و حامیان بیرونی آنان ایستادند و مقاومت روز تا روز در برابر طالبان گسترده تر می شد تا آن که حادثه، ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی به میان آمد و ضرورت مبارزه برضد طالبان و القاعده در افغانستان به عنوان نیاز مبرم جامعه، جهانی و در رأس آن آمریکا مطرح شد. منافع جهانی با منافع مردم افغانستان برای نجات از شر رژیم استبدادی طالبان گره خورد. طالبان شکست خوردند و به وزیرستان شمالی در پاکستان پناه بردند.

پس از فروپاشی طالبان برپایه، موافقت نامه، بن نظامی در سایه، حمایت جامعه، جهانی و آمریکا به وجود آمد که تحقق دموکراسی و بازسازی اقتصادی افغانستان و تشکیل اردو و پلیس ملی و ده ها شعار ملی دیگر از اهداف اساسی آن معرفی شد. مردم از این وضع جدید به گستردگی حمایت کردند هیچ کس نه دوست و نه دشمن تصور نمی کرد که طالبان پس از این شکست روزی دوباره به تجدید نیرو بپردازند و دولت را به چالش بکشند.

اما سیاست و برنامه های نادرست و اشتباه آمیز دولت و حامیان آن در زمینه های گونه گون این فرصت را برای طالبان شکست خورده مهیا ساخت.

دولت نتوانست روند بازسازی را آن گونه که بایسته بود پی بگیرد و در جهت تأمین وحدت ملی آسیب دیده نه تنها اقدامی مؤثر نکرد بلکه حلقه های معین در داخل دولت به گونه یی دیگر به شیوه، طالبان مسأله، تبعیض قومی را چنان که پرویز مشرف رئیس جمهور پاکستان می خواست دامن زدند. در عرصه، دموکراسی در تحقق محتوای اصیل آن که نیاز جامعه، استبداد زده، افغانستان است گامی درست برداشته نشد بلکه از دموکراسی سیمایی از لاابالی گری و دین ستیزی تصویر کردند. به جای تشکیل اردو و پلیس ملی پاسخ گوی نیازهای امنیتی کشور، اردوی موجود وقت را منحل کردند و یک باره در امور جنگ و دفاع به نیروهای خارجی متوسل شدند. این ها و ده ها اشتباه دیگر زمینه، رشد و بالنده شدن دوباره، طالبان را مساعد ساخت به گونه یی که امروز در همه جا و حتی در سطح مطبوعات بین المللی سخن از بازگشت طالبان می رود.

در آغاز مبارزه، مشترک برضد رژیم طالبان اندکی بیشتر از ۴۰۰ نفر از نیروهای خارجی در جنگ شرکت داشتند امروز نزدیک به ۴۰۰۰۰ نیروی خارجی برضد طالبان و القاعده در افغانستان می جنگند ولی نتیجه، آن معکوس است، هر قدر شمار نیروهای خارجی در افغانستان بیشتر می شود به همان پیمانه زمینه، تبلیغات طالبان برضد دولت و بر انگیختن حساسیت مردم افزایش می یابد.

تجربه در افغانستان و جاهای دیگر نشان داده است که با هیچ نیروی اندیشگی و درونی نمی شود با تکیه با نیروی بیرونی پیروزی کسب کرد.

اگر دولت آقای کرزی می خواهد ظفرمند از این معرکه به در آید در برنامه ها و سیاست هایش بازنگری کند و به جای خواستن افزایش نیروهای خارجی به تقویت اردو و پلیس ملی آن گونه که شایسته است بپردازد، این کار هم به نفع افغانستان و دولت آقای کرزی است و هم به سود کشورهای صاحب منافع در امنیت افغانستان. و هم این کار هزینه یی بسیار کم تر از هزینه، حضور نیروهای خارجی در افغانستان می خواهد.

طالبان، بازگشت بعد از سقوط



"روزنامهء مردم" چاپ هالند: "de Volkskrant" - 13 سپتامبر ۲۰۰۶

بر گردان: مسعود اندیشمند

دیدی دیرکسن Deede Derksen

کابل/ ترینکوت

طالبان کیستند؟ هر که به سوی ما فیر می کند؟

طالبان بعد از فروپاشی خود در سال ۲۰۰۱ دوباره بر می گردند. افغان های فقیر که وضع اقتصادی شان بحرانی است با این گروه می گرایند.

یک دهقانی که درطول روز در کشتزارخود مصروف کاراست، شبانه می تواند کلا شینکوف خود را از تاق (صندوق خانه) بردارد وبه یک جنگجوی طالب تبدیل شود.

یک افسر ناتو در کابل گفت که در واقع ما دقیقاً نمی دانیم دشمن ما کیست؟

حدس بزنید که طالبان کیستند؟ برای نیروهای خارجی پاسدار صلح این یک معمایی است که روزانه از خود می پرسند. آیا طالب مرد سیاه ریش با Ak 47 است؟ نخیر، شاید طالب آن فرد برقه داری باشد که آنجا قدم می زند. و یا در واقع طالب همان دهقان ساده با بز و گوسفندش که در کنار جاده قرار دارد.

جگرن(سرگرد) یورس Jores که نیرو های کوماندوی هالندی را در ارزگان فرماندهی می کند، می گوید "دشمن متحرک است، در جای معینی سکونت ندارد. روزانه در کشتزارش کار می کند و شب هنگام سلاح به شانه می گیرد.

یک افسر خسته، بریتانیایی در محل نظامی فرمانده، ارتش ایساف در کابل می گوید "ما در واقع دقیق نمی دانیم که دشمن کیست؟ آیا اینها قاچاقبران مواد مخدرند؟ آیا افراطی های مذهبی اند؟ یا جنگ سالارانند که بر ما حمله می کنند؟ این همیشه برای ما روشن نیست.

جگرن یورس می گوید: هر کسی که به سوی ما شلیک می کند، طالب است. طالبان، مردان جوانی اند که با ریش های دراز راکت به شانه حمل می کنند. آن گونه درتازه ترین فیلم ژورنالیستی که اسمش را به خاطر حفظ امنیتش مخفی گذاشته اند نشان داده می شوند، طالبان صدها مرد مسلح مغرور و متحرکی هستند که دایم برای نبرد در آمادگی به سر می برند. محل اجتماع و جلسه، این گروه (طالبان) شگفت انگیز و گیج کننده است. محل تجمع اینها در غار دور افتاده، توره بوره نه، بلکه در فاصله، چند کیلو متری پایگاه نظامی نیروهای خارجی در جنوب کابل است.

"گیلام فورنیر" این گروه را، طالبان نوین می نامد. وی در کابل رئیس "انجمن سینلیس" (The Sinless Council) است. وی درین اواخر گزارشی را درمورد اوضاع جنوب افغانستان تهیه نمود. به نظر گیلام سر پرستی این طالب های مدرن را حاکمان دیگری به دوش دارند که همان آیدئولوژی گذشته، طالبان را به کار می برند. درمیان این افراد، گروه ضد حکومت هم وجود دارد، که شامل جنگ سالاران و قاچاقبران مواد مخدرند.

و اما افراد عادی؛ ساکنان قریه هم شامل این گروه می شوند. این دسته از مردم، افغانهای فقیر و محتاجی اند که با هر گروهی سازش می کنند و به هر سازی می رقصند. درچنین حالتی کلاشینکوف های خود را از تاق یا صندوق خانه های خود برداشته و تبدیل به یک طالب جنگو می شوند.

"فورنیر" می گوید که افغانها همیشه به سوی قوی ترین گروه می روند و با قوی ترین گروه یکجا می شوند.

این که طالبان نوین در اکثریت مناطق جنوبی افغانستان به حیث قوی ترین گروه تلقی می شوند، ظاهراً از گشت و گزار مردان دارای لباس های سیاه هویداست که در جاده ها و راه ها به چشم می خورند. انجمن سینلیس (The Senlis Council) یک خطی از شمال شرق به طرف جنوب غرب می کشد: از پناهگاه های مرزی از ایران تا پاکستان، جایی که گروه های مذهبی و قومی ، طالبان را کمک می کنند.

گروه های مذهبی و قومی حامی و همکار جنگجویان طالب در پاکستان، ولایت ارزگان را در شمالی ترین مناطق مورد نفوذ و جنگ طالبان می دانند. سربازان خارجی مستقر در ولایات جنوبی افغانستان معتقد هستند که مراکز نفوذ طالبان دربیرون از مرز های افغانستان قرار دارد.

به هر حال، این یک واقعیت غیر قابل باور است. آیا طالبان درسال ۲۰۰۱ به طور کامل شکست نخورده بودند وبقایای آنان توسط ائتلاف تحت فرمان امریکا، رانده نشده بودند؟ در آن دوره، شکست و اضمحلال طالبان، اخرین نیرو های آنها درساختمان فرودگاه قندهار پناهگاه داشتند. سوراخ های مرمی در دیوارها، نشان از پیروزی نیروهای امریکایی در نبرد آن دوره با طالبان دارد. اما اکنون و پنج سال بعد، سربازان هالندی، بریتانیایی و کانادایی در این جا بر چندلی های شکسته و فرسوده، ساختمان فرودگاه نشسته اند و کتاب های داستانی و طنز می خوانند. آنها در انتظار اعزام به جبهه های جنگ با طالبانند. جبهات و معرکه های جنگ با طالبان از شهر قندهار ۳۰ کیلو متر فاصله دارد. نیروهای خارجی در منطقه ها و سنگر های جنگ با طالبان، در گیر نبرد های سخت و سنگینی می شوند. چرا وضعیت بدین گونه شکل گرفت؟ و چرا طالبان شکست خورده و ضعیف دوباره نیرومند شدند و به جنگ باز گشتند؟

باشند گان افغانستان در ولایات جنوب و در جریان این پنج سال در مورد بازسازی افغانستان توسط جامعه، بین المللی به ندرت چیزی دیده اند. چیز زیادی که انها در دولت دیده اند، فساد و رشوه خوری و حمایت از مجرمان و جنایتکاران است. از دیدگاه افغانستان شناسان این امر عوامل مختلف دارد. فساد در درون دولت یکی از عوامل باز گشت طالبان را می سازد. عامل دیگر را باید در اقدام امریکایی ها جستجو کرد که توجه اصلی خود را یک سال بعد از راندن طالبان، به سوی عراق بردند. نیرو های صلح ناتو و ایساف تا سال ۲۰۰۲ حضور و فعالیت خود را تنها به کابل محدود کرده بودند. بعدها ناتو در مناطق نسبتاً آرام شمال و غرب نیروهای خود را گسترش داد. در همین دوره، طالبان توانستند که در جنوب افغانستان مجدداً نفوذ کنند. قوماندان طالبان داداالله که ۱۲۰۰۰ افراد مسلح در هلمند، ارزگان و قندهار دارد. میگوید طالبان از آغاز سال جاری موفق به انجام حملات متعددی علیه سربازان دولتی و سربازان خارجی و کارمندان مؤسسات امداد رسانی شدند. آنها این حملات را با آتش راکت و توپ های سرشانه یی و حملات انتحاری انجام دادند.

حمله با باشندگان محل نیز از فعالیت های جنگی طالبان در طول سال بود. طالبان این گونه حملات تروریستی را در همکاری و همراهی با افراد القاعده انجام می دهند. آنها در قندهار و هلمند با سر سختی زیاد علیه نیروهای خارجی می جنگند. جنگ آنها در این دو ولایت به صورت علنی و آشکار صورت می گیرد.

عملکرد طالبان از لحاظ جنگ روانی نیز قابل ملاحظه است. آنها در جنگ روانی دست بالا دارند. هرچند جنگجویان اصلی طالبان از نظر آیدئولوژیک متعلق به مدارس دینی پاکستان هستند و از آن مدارس بر خواسته اند. اما بسیاری از نیرو های جنگی آنها باشندگان ولایت جنوبی پشتون نشین می باشند که از آغاز ظهور طالبان به حمایت از گروه طالبان بر خواستند. اکنون به دلیل کمبود و فقدان پشتیبانی خارجی و فساد حکومت محلی، مردم محل دوباره دروازه های خود را به روی طالبان گشوده اند. اعضای اجرایی و افراد بلند پایه، طالبان در قریه ها جا به جا شده اند. ابها در قریه ها، به اخذ مالیه و محصول خشخاش می پردازند. و جنگجویان خود را غرض حمایت و حفاظت از زرع و قاچاق مواد مخدر مامور می گردانند. در حکومت طالبان قاچاق مواد مخدر به عنوان یک عمل غیر اسلامی ممنوع بود. اگر یک روستایی با طالبان می پیوندد، ماهانه یک صد دلار حقوق دریافت می کند. این مقدار بیشتر از آن چهل دلاری است که یک فرد به حیث پلیس دولت خدمت می کند. و اما اگر این روستایی همکاری خود را با صداقت در کنار طالبان انجام ندهد، به جرم خائن توسط طالبان کشته می شود.

یک ابتکار نو طالبان (multimedia) تبلیغات گسترده از طریق رسانه های مختلف و استفاده از وسایل گوناگون در این تبلیغات است. طالبان یک عملیات نظامی خود را به سه سخنگو مخابره می کنند. سخنگویان آنها از طریق تلفن های ماهواره یی با خبر گزاری های داخلی وخارجی تماس می گیرند. دربازارهای قندهار کسیت های رادیویی، کسیت های ویدیویی و مجله هایی به چشم می خورد که در آن، فعالیت های جنگجویان طالبان تمجید و ستایش می شود. این را می توان ناشی از اثر گزاری القاعده به روی طالبان نوین دانست. در حالی که طالبان اصلی در گذشته مخالف استفاده، وسایل الکترونیکی بودند و افغانها را از دیدن تلویزیون محروم می ساختند.

طالبان در جریان پنج سال، خود را از یک گروه آیدئولوژیک ناکام و ناقص به یک گروه دولتمند و مجهز به امکانات تکنولوژی ، بدون داشتن یک هدف روشن نهایی توسعه داده اند. رئیس بخش مبارزه با مواد مخدر ملل متحد (Unodc)انتونیو ماریا کوستا، اخیراً گفته است: "در جنوب افغانستان تولید بیش از حد خشخاش و تجارت آن، تروریزم، شورش، جنایت، رشوه خواری و فساد رواج گردیده است. درولایات جنوبی دیگر وضع قابل کنترل نیست".

سخنی در حاشیهء سفر رئیس جمهور به امریکا

وحید مژده



قبل از این که کرزی به سفر امریکا برود، شایعاتی بر سر زبانها بود که وی این بار با مقامات امریکایی با جرأت بیشتر سخن خواهد گفت. وی این بار در ملاقات با جورج بوش به صراحت خواهد گفت که اگر جلو مداخلات پاکستان در امور داخلی افغانستان به صورت جدی گرفته نشود، وی بیش از این به صفت رئیس جمهور افغانستان قادر به ادارهء امور نخواهد بود و اوضاع به صورت کلی از کنترل خارج خواهد شد ومسؤولیت آن به دوش امریکا خواهد بود

سفر حامد کرزی به امریکا هرچند سفر نخست وی نیست اما این سفر از اهمیت خاصی برخوردار است. مهم ترین بخش این سفر مذاکرات سه جانبه میان روسای جمهور سه کشور افغانستان، پاکستان و ایالات متحدهء امریکاست.

قبل از اینکه رئیس جمهور کرزی افغانستان را به قصد این سفر ترک گوید، پرویز مشرف رئیس جمهور پاکستان از افغانستان دیدن نمود و مذاکراتی با رئیس جمهور وسایر مقامات افغانستان داشت. مشرف در این سفر سعی نمود تا به مقامات افغانستان این اطمینان را بدهد که پاکستان طرفدار بی ثباتی و جنگ در افغانستان نیست، اما به نظر می رسد که این تلاش قرین موفقیت نبوده است.

قبل از این که کرزی به سفر امریکا برود، شایعاتی بر سر زبانها بود که وی این بار با مقامات امریکایی با جرأت بیشتر سخن خواهد گفت. وی این بار در ملاقات با جورج بوش به صراحت خواهد گفت که اگر جلو مداخلات پاکستان در امور داخلی افغانستان به صورت جدی گرفته نشود، وی بیش از این به صفت رئیس جمهور افغانستان قادر به ادارهء امور نخواهد بود و اوضاع به صورت کلی از کنترل خارج خواهد شد ومسؤولیت آن به دوش امریکا خواهد بود.

امریکا با وجود تأکیدات مکرر دولت افغانستان، تاکنون از متهم ساختن پاکستان به دست داشتن در ناامنی در افغانستان ابا ورزیده و حتی از این کشور به عنوان متحد بزرگ خویش علیه تروریسم در منطقه نام برده است در حالی که کشور های اروپایی به خصوص آنهایی که در چهارچوب ناتو و آیساف نیرو به افغانستان فرستاده اند، نه تنها پاکستان را در ناآرامی های افغانستان دخیل می دانند بلکه به این باورند که تا زمانی که این مداخلات پایان نیافته است، پیروزی قاطع علیه دهشت افگنی در افغانستان ممکن نخواهد بود.

حامد کرزی در بیانیهء خویش در مجمع عمومی سازمان ملل متحد گفت که تروریسم در این منطقه به صورت کامل ریشه کن نخواهد شد تا در جهت از میان بردن ریشه های تروریسم اقدام قاطع صورت نگیرد. تا زمانی که سرچشمهء تروریسم نخشکیده است، صلح و آرامش به افغانستان باز نخواهد گشت و این اشارهء آشکار به پاکستان بود. کرزی آرزومند است که در این دیدار، امریکایی ها را متقاعد بسازد که از سیاست اغماض در برابر پاکستان دست بردارند و دست به اقدامات قاطع تری علیه آن کشور بزنند. البته امریکا هم خاطر نشان ساخته است که در صورت لزوم و اقتضای ضرورت، امریکا برای بدام انداختن رهبران القاعده، در داخل خاک پاکستان نیز دست به عملیات خواهد زد اما منظور امریکا فقط عملیات مقطعی است که فقط چند بار و بیشتر با استفاده از نیروی هوایی در مناطق قبایلی آن سوی دیورند صورت گرفته ولی نتیجهء دلخواه از آن به دست نیامده است. در آخرین مورد از این گونه حملات که در نزدیک مرز با افغانستان صورت گرفت، جمعی از مردم غیرنظامی به قتل رسیدند که موجب اعتراضات گسترده در داخل پاکستان شد.

در سفر مشرف به افغانستان و امریکا، مسأله یی که زیاد جلب نظر نمود و در مورد آن شک و تردید های زیادی ابراز گردید، قرار داد این کشور با طالبان محلی در وزیرستان شمالی بود. مشرف در کابل گفت که این موافقتنامه به نفع افغانستان است زیرا مردم در وزیرستان تعهد کرده اند که به خارجیان پناه نداده و همچنان از منطقه تحت کنترل شان اجازهء حمله به خاک افغانستان را نیز ندهند اما وی در امریکا گفت که این توافق نه با طالبان بلکه با سران قبایل صورت گرفته است. مشرف که از حساسیت ها نسبت به طالبان در امریکا آگاه است، حقایقی را کتمان می کند که کاملا روشن است. حقیقت این است که این توافق میان طالبان و دولت پاکستان بوده و سران قبایل فقط نقش میانجی را میان دولت و طالبان ایفا نمودند.

در سفر مشرف به افغانستان و امریکا، مسأله یی که زیاد جلب نظر نمود و در مورد آن شک و تردید های زیادی ابراز گردید، قرار داد این کشور با طالبان محلی در وزیرستان شمالی بود. مشرف در کابل گفت که این موافقتنامه به نفع افغانستان است زیرا مردم در وزیرستان تعهد کرده اند که به خارجیان پناه نداده و همچنان از منطقه تحت کنترل شان اجازهء حمله به خاک افغانستان را نیز ندهند اما وی در امریکا گفت که این توافق نه با طالبان بلکه با سران قبایل صورت گرفته است. مشرف که از حساسیت ها نسبت به طالبان در امریکا آگاه است، حقایقی را کتمان می کند که کاملا روشن است. حقیقت این است که این توافق میان طالبان و دولت پاکستان بوده و سران قبایل فقط نقش میانجی را میان دولت و طالبان ایفا نمودند.

با توجه به وضع خاص منطقهء وزیرستان، رهبران قومی بخصوص از قوم (اتمانزو) در این ناحیه خارج از تحریک طالبان نیستند. هیچ رهبر قومی نمی تواند بدون رعایت اصولی که طالبان در این ناحیه به کار بسته اند، اقدامی نماید. استفاده از تلویزیون و بخصوص آنتن های ماهواره یی وشنیدن هر نوع موسیقی ممنوع است. ترانه های طالبان و نوار های سخنرانی در مورد جهاد در همه جا شنیده می شود. این منطقه که دهها سال قبل از مراکز مهم جانبداری از داعیهء پشتونستان بود و از مراکز مهم هوادار دولت افغانستان در آن سوی دیورند به شمار می آمد، در دوران جهاد علیه تجاوز اتحاد شوروی به یکی از مسیر های پررفت و آمد مجاهدین که غرض جهاد به افغانستان می رفتند مبدل شد. مردم وزیر این منطقه مانند اقوام شان در افغانستان در جهاد سهم گرفتند. این ناحیه در دوران جنگ های تحمیلی در کابل، به تدریج مبدل به یکی از مراکز مهم تحرک نیروی جدیدی گردید که به نام تحریک طالبان ظهور کرد.

پس از حملهء امریکا و سقوط طالبان، وزیرستان پناهگاه جنگجویان خارجی و طالبانی شد که از افغانستان فرار کرده بودند. جنگ میان دولت پاکستان و مردم وزیرستان شمالی که به جنگجویان خارجی از همان زمان آغاز شد و با قراردادی که تقریبا یک ماه قبل به امضا رسید پایان گرفت.

مشرف مشکل بلوچستان را با قتل نواب اکبرخان بکتی ظاهرأ برطرف کرده و با کنار آمدن با طالبان در وزیرستان شمالی، در این ناحیه نیز به پیروزی دست یافته است اما برعکس، همتای افغانستانی وی در کشور خود به مشکلات روزافزون مواجه است. مناطق عمدتا پشتون نشین جنوب به مشکل رو به گسترش ناامنی مواجه است. قندهار زادگاه کرزی که وی قاعدتا باید در آنجا بیشترین هوادار را داشته باشد، به یکی از مراکز مهم ناآرامی های ضد دولتی مبدل گردیده است. عملیات نیروهای خارجی در این ولایت و به صورت عمومی در حوزهء جنوب غرب کشور که با کشتار غیرنظامیان توأم بوده، برای کرزی پیامد های ناگواری در قبال داشته است.

با توجه به خصلت نظام قبایلی در این منطقه، کرزی می داند که دولت وی دیگر از حمایت اکثریت پشتونها بهره مند نیست. امریکا هم که پس از سقوط طالبان امیدوار بود با به قدرت آوردن شخصی از قندهار، طالبان را به تغییر وفاداری به رهبرشان ملا محمد عمر تشویق خواهد نمود، اکنون می داند که این سیاست ناکام بوده است.

امریکا با حمایت از کرزی، وی را به عنوان یک شخصیت مورد اعتماد در سطح بین المللی معرفی کرد اما این وظیفهء خود کرزی بود که با جلب حمایت مردمی، در سطح ملی خود را به عنوان یک رهبر مورد قبول معرفی نماید اما در این کار توفیقی نداشت. وی با گرد آوردن جمعی از قوم گرایان متعصب پشتون در کنار خویش، تلاش نمود تا به زعم خود، پشتون ها را جانبدار خویش سازد غافل از این که پشتونها هم در پاکستان و هم در افغانستان، از مدتها قبل با قومیت گرایی هایی از این دست بی باور شده اند [و به قومیت گرایی آمیخته با سنت های دینی باور پیدا کرده اند - اداره] و این چهره ها را نمی شناسند. نشنل عوامی پارتی در پاکستان نیز با آن همه سابقهء کار، امروز جلوهء بسیار کمرنگی در صحنهء سیاسی آن کشور دارد و حضورش در مناطق قبایلی اصلا محسوس نیست.

از جانب دیگر تلاش های نیروهای امریکایی برای بدام انداختن رهبران القاعده و طالبان، متمرکز در جنوب افغانستان یعنی مناطق پشتون نشین کشور بود. خشونت هایی که از جانب این نیروها در این راستا به کار گرفته شد، برای نشان دادن یک چهرهء خوب از کرزی در میان مردم این بخش از افغانستان سخت زیانبار بود. کرزی که می دانست حمایت مردمی از وی در این بخش از کشور تا چه حد برایش حیاتی است، بارها از این نیروها تقاضا نمود که با احتیاط بیشتر عمل کنند اما آنها چنین نکردند. قیام گسترده تر شد و خشونت ها بیشتر: مردم غیرنظامی قربانیان اصلی این خشونت ها بودند.

اما زمامداران پاکستان هم مشکلات خاص خود را دارند. تغییرات بعد از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ برای پاکستان هم بهرهء اقتصادی داشت وهم مشکلات داخلی به ارمغان آورد. درست است که پاکستان توانست در همکاری با امریکا در به اصطلاح جنگ علیه تروریسم، از کمک های این کشور برخوردار گردد اما پاکستان با پشت کردن به طالبان وسپردن آنان به امریکا، نه تنها نیروی مهمی در افغانستان را که خود در ایجادش دست داشت از دست داد، بلکه در داخل پاکستان نیز اسلامگرایان را نا راضی ساخت. از طرف دیگر با دستگیری ویا همکاری در دستگیری رهبران القاعده، در میان مردم کشورهای عربی، پاکستان وپاکستانی دیگر آن اعتبار قبلی را ندارد. صدها هزار پاکستانی در کشورهای عربی به کار مشغولند که بخش قابل توجه از درآمد خارجی پاکستان از پولی است پاکستانی های به اصطلاح (سمندریار/ آن سوی دریا) به این کشور می فرستند. پاکستان در این بازار کار با رقابت کارگران کشور های دیگر از جمله هندی ها و چینی ها مواجه است. تا پنج سال قبل مسلمان بودن یکی از فکتورهای ترجیحی در استخدام کارگران پاکستانی در مواردی بود که کارگران متقاضی کار از سایر کشور ها هم از تخصص و مهارت و تجربهء کاری مشابه برخوردار می بودند. اما اکنون احساسات ضد امریکایی در میان مردم عام دنیای عرب به این وجههء پاکستانی ها زیان وارد کرده است.

پرویز مشرف در جریان این سفر به امریکا افشا نمود که ایالات متحده پنج سال قبل تهدید کرده بود که اگر پاکستان با امریکا در جنگ علیه طالبان همکاری نکند، امریکا پاکستان را به عصر حجر باز خواهد گرداند. همزمان با این سفر، کتاب وی به نام (در خط مقدم جنگ) نیز منتشر شد. مشرف می خواهد بگوید که همکاری پاکستان با امریکا با نا رضایتی بلکه از روی مجبوریت بوده است. این پیام می تواند هم مصرف داخلی و هم خارجی داشته باشد. این سخن وی مرا بیاد مطالبی از کتاب تصویری از گوانتانامو انداخت که ملا عبدالسلام ضعیف نوشته و می گوید که پاکستانی ها در برابر هر اقدامی علیه ما پس از یازدهم سپتامبر می گفتند (پاکستان مجبورهی!) و به همین دلیل زندانیان زندان گوانتانامو پاکستان را (مجبورستان!) نام گذاشته بودند.

رئیس جمهور مجبورستان می خواهد به مردم خود بگوید که پاکستان کشوری مستقل است و همکاری با امریکا در جنگ علیه تروریسم به خاطر مصالح کشور صورت گرفت تا پاکستان ازنابودی نجات یابد در غیر آن امروز پاکستان شاید مجددا به بخشی از هندوستان مبدل می شد. او می خواهد خود را ناجی کشورش قلمداد نماید اما بدبختانه دولت افغانستان در چنین عرصه ها ناتوان از قدرت مانور لازم است. رئیس جمهور کشور جنگ زده و وابسته یی که ناامنی ها آن را بیش از پیش وابسته تر خواهد ساخت، جز شکایت ازمداخلات پاکستان، در این عرصه حرف دیگری برای گفتن نخواهد داشت. اما آیا امریکا این بار به خواست افغانستان لبیک خواهد گفت؟

رمضان ماه خداست

عبدالاحدتارشی

لحظه ها می آیند
لحظه هایی که به تن
روح پاکیزه ترین نوع طهارت دارند
عطر خوشبوی ترین نوع نماز
وقداست دارند
***

لحظه ها می آیند
لحظه هایی که به تاریک تر[illegible]ب حتی
می توان..
خون تابنده ، خورشید به رگهاشان دید
صد سحر نور به سیماشان دید
***

لحظه ها می آیند
صد فلک نور الهی بر دوش
وزمان با همه، ثروت خویش از انوار
به گدایی به در نیمه شب روشن شان می ایستد
تایکی جلوه یکی بارقه یک تابش ازان گیرد وام
***

لحظه ها می آیند
وبه سرسبز ترین باغ دعا همچو نسیم
تن خود می سایند
وزشاداب ترین گلشن ایمان وخلوص
دامن خویش پر از لاله وگل می سازند
وزسیراب ترین چشمه ، اشک
جانفزاینده ترین آب بقا می نوشند
***

لحظه ها می آیند
کوله باری بردوش
که بود نام شریفش رمضان
کوله باری زتقدس زتبرک زشکوه
وازان سوی زمان
وازان سوی مکان
زحضور [illegible]حمان
***

رمضان می آید
دست بردست ملایک به زمین می گردد
و در خانه، هر عاشق دل سوخته را می کوبد

تاشود مهمانش..
به سرشکش.. به دعایش..
به جگرسوز ترین ناله، یارب هایش
***

رمضان می آید
وبهشت..
بهترین رویش خود را به چمنزار سحرهای سفیدش
بیند
ورضای رحمان..
زین چمنزار گل خوب ترین نوع عبادت چیند
***

رمضان می آید
تشنگی های ترا ایمانت
بهر سیراب شدن می نوشد
برف انبوه گناهانت را
آتش عشق تو تا آب شدن می نوشد
***

رمضان می آید
برسر سفره، جوع تو ثواب
می شود مهمانت
تا تناول کند از نعمت رنگین قبول
که بود برخوانت
***

رمضان ماه خداست
که زدروازه، هرثانیه اش
می توان داخل دربار بزرگش گردید
ودوصد باغ گل سجده، آمیخته با شبنم اشک
هدیه، بندگی خویش به دربارش برد
وز گلستان حضورش چمنی از گل رحمت را چید
و..
می توان..
به بهارینه ترین دشت قبول

تخم پربارترین توبه نهادن درخاک
وبهشتی چیدن
به شکوه افلاک
***

رمضان دریایی است
همه طوفان همه موج
وبود بستر آن
نه حضیض پستی
که بلندای عروج
که سرافراز ترین قله، اوج
ودرآن رحمت ایزد جاریست
جان فزاینده تر از آب حیات
موج خیزنده تر از بحر فلک
وتو این رود خروشنده، طوفانی را
می توانی به دل قطره، اشکی ریزی
وبگویی که توان بحر خروشانی را
در دل کوزه، تنگی جا داد
وچنین اسلحه، آبی را
می توان برد به کار
در هجومی به سپاه آتش
در خطرناک ترین معرکه در روز شمار
وتوان شد غالب
به قشون آتش
که بود سخت قوی وسرکش
مگر اورا نبود طاقت رویارویی
با سرشکی خونین
که به شام رمضان
می فتد از مژه، سوخته جانی به زمین
مگر اورا نبود طاقت رویارویی
با دعایی که به عطر سحر ماه صیام آمیزد
وزدل غمزده یی در دل شب برخیزد
***

گر به باغ شب قدر
گل خوشبوی عبادت کاری
تا سحر خواهی دید
با نگاه دل خویش
که ملایک زحضور رحمان
به تماشای چمنزار تو خواهند آمد
نوریان فلکی بهر خریداری نور
بی گمان جانب بازار تو خواهند آمد
***

اندرین ماه عظیم
آسمان ها همه را
کهکشان ها همه را
سینه، سوخته، سوخته جان ها همه را
ذوب در کوره، عشق ازلی بنمودند
تا بسازند ازآن
نردبانی از نور
ونهندش زدل عاشق خاک
تا به آن سوی جهان خلقت
تا به آن سوی دیار افلاک
که قدم رنجه نماید به زمین حضرت قرآن کریم
زگلستان ازل وزچمن عرش خداوند رحیم
***

در سحر های سفید رمضان
گر دلت شبنم اشکی گردد
وبریزد به گل صفحه، قرآن بزرگ
یورش رویش انواع بهاران عبیر افشان را
دشت پائیزی جان تو عیان خواهد دید
پیکر توبه، خود شسته به دریاچه، عطر رمضان خواهد دید
مغفرت را زپی شاهد اخلاص تو چون عاشق دل سوخته یی
جانب خانه، قلب تو روان خواهد دید
***

رمضان ماه خداست
رمضان را دریاب
رمضان را دریاب

دام روزی

محمد اسحاق فایز

سعید، مترددکنار همسرش ایستادتادریابدکه امروز اوچه فرمایشی دارد. چند ماه می شدکه نتوانسته بودبه خواسته های اوپاسخ بدهد. این بار دلش به حال همسرش سوخت. احساس شرمساری کرد. باخود گفت بهتراست امروزبشنوم که این موجودبی نواو لطیف برایش چه می گوید. کودکانش هنوزدرخواب بودندو اومانندهرروزصبحانه اش را نخورد تا بجای اوکودکانش نوش جان کنند.

به کودکان خوابیده اش نگاه کردکه بامعصومیت تمام خوابیده اندو ازتماشای سیما های معصومانه آنهابرایش حالتی رقت آمیزدست داد. برگشت و همسرش را به کنارکشید و با ملایمت به او گفت :

- امروز به این بیچاره ها گوشت و میوه می آورم ومی کوشم تا به خواهش تونیزتوجه کنم. نمی دانم چراامروز دلم به خودم و شما ها بسیار می سوزد. من با این روزگاربدخود موجبات بدبختی شما هارا فراهم کرده ام. کاش ...

همسر ش سخنان اورا قطع کرد و گفت:

- سعید، پریشان نباش، خداوند مهربان است. مانندما آدمها و خانواده های فراوانی هستند که درمیان فقروتنگ دستی دست وپا می زنند. فقر، نان دسترخوان بسیاری ها دراین شهراست. من نیزامروز امیدوارم تاپولی ازدوخت لباسهای چندمشتری ام رادریافت کنم، تو با خاطرآرام به کارو بار روزانه ات برس .

سعیدکه ازسخنان راحت بخش همسرش شادمان شده بود، دست بر شانه او نهاد و با محبت تمام به او لبخندزد. همسرش در لبخند سعید اندوهی را احساس کرد که تا آن روز ندیده بود. اندوه پرحسرت و حسرتی تلخ و سوزان .

به یک بارگی به یادش آمد که امروز خواستکاران مژگان دختر شان نیز می آیند ازاین رو با لحنی که سعید را از آن نرنجاند گفت:

-امروز خواستکاران مژ گان هم می آیند با آنها چه کنم ؟

-هیچ. ماننددیگران، به آنها چای سبزو کلچه تعارف کن و برای شان بگو چند روزی به ما مهلت بدهید تا درمورد مشوره کنیم وآنگاه...

همسرش باز درمیان حر فهای او دویده گفت :

-آخرچند افغانی یی که نزد من بود دیروزمصرف خرید زغال به سماوار شد، من دیگر پولی با خود ندارم که کلچه بخرم.

سعید مجبوریت خانمش رااز این حرفها دانست. درمیان جیبهایش سر گردان شد. چهل ، پنجاه افغانی از آنها کشید و به همسرش داد.

همسرش می دانست که با این پول کم نمی تواند اوازمهمانانش امروز پذیرایی درستی کند ولی نخواست سعیدرا بیشتر بیازارد؛ ازاین جهت بالبخند مهرآلودی گفت :

-روزت به خیرسعیدجان، خداحافظ، یادت نرودکه امروززودتر برگردی . گوشت ومیوه برای خانه هم بیاوری !

- انشاء الله. مادر مژگان فراموش نمی کنم، وآ، راستی یادت نرود که از نانوای کوچه بپرسی که در این ماه چه قدر قرضدار شان هستیم تا اگر خدا خواست آن را تادیه کنیم .

-مطمین باش سعید جان، خدا حافظ!

وقتی سعید از درخانه اش بیرون شد به نظرش رسیدکه نگاه های همسرش برایش بسیاررمزوارزآلوداست. چیزی مانندد لهره واضطرابی گنگ دردلش پیدا شد. دلش خواست برگردولی یادش امدکه امروزاوبایدبه شرکت برودوحساباتش را با شرکت تصفیه کند و حسابی جدید بازکند. آخراو مجبور بودتا به قول همسرش. دام روزی اش را در چهارراه ها بگستراند. اوازصبح تا شام کریدت کارت تلفن های همراه می فروخت. روزانه تا بیست، سی کارت را می فروخت و حاصل این زحمت روزانه اش چیزی درحدود دوصدتا دو صدو پنجاه افغانی می شد و او با این پول هزینه، خانواده هفت نفری اش را آماده می کرد.

همسرش نیزاحساسی مرموز دردل داشت. وقتی سعید ازدرحیاط منزل بیرون شددقایقی اورانگاه می کرد که با صدای صاحب خانه اش یکه خورد که می گفت همشیره ازکنار دروازه به درون خانه بیا. آخربد است. چرا کله کشک می کنی مردم چیز های بدی فکر می کنند .

همسر سعید بااین سخنان نیشدار و گزندهٔ صاحب خانه اش لرزید و بی آن که لب به سخن بازکند، روانه خانه شدتاکودکان را ازخواب بیدارکندو کاروباروزانه اش را از سر گیرد.

***

سعید وقتی از شرکت بیرون می شد خوشحال بود: زیرا حساباتش را خلاص کرده و این بار با فتار دل گرم کننده، مسؤول بخش شرکت مواجه شده بود؛ زیرا او توانسته بود طی شش روزاخیر بیشترین کارت هارابفروشد و حسابش راتیربا شرکت پاک کند.

از این که لا اقل توانسته است بانک معاملگی به اعتبارش سرو سامانی بدهد. برخودمی بالیدو این احساس اورا تا سرچهار راه مسعود بزرگ کشاند. او چابک ترروان شدتا دام روزی اش راهموارکند. چابک تررفت تا موقعیت مناسبی بگیردوامروزنیزمانند روزهای دیگربرایش روزخوبی از نگاه تعداد مشتری برایش، باشد.

کنار چهار راه روبه مغرب ایستاد. ازدحام موتر های رنگ رنگ و آخرین مدل گران قیمت چندین ده هزار دلاری بود. ازدحام موتر های تکسی وانواع دیگرآن بود که هریک آدمهایی را غرض انجام کارهایی به نقاط مختلف می بردند.

سعید در ازدحام این موتر های رنگ رنگ، گاه گاه به مناره بزرگ یاد بود مسعود بزرگ نیز می دید. به نظرش این مناره بسیار بلند و با شکوه می نمود. درحیرت فرورفته بودونمی دانست چرا امروز دنیا در نظرش جلوه هایی دیگرداردو تنها امروز است که می بیندمناره یادگاری در وسط چهار راه چرا در چنین جایی انتخاب شده است . نمی دانست چرا امروزآمد و شد این آدمها درنظرش غم بار و اندوه گینانه است.

امروزدرنظرش رنگهای سبز و سرخ جلوه های بیشتری داشتند. او از رنگ سرخ بدش می آمد. او ازاین رنگ به دلایل گوناگون نفرت داشت و هر باری هم که کودکان و همسرش لباسی می خریدند، می دانستند که رنگ سرخ را سعید نمی پسندد و آن را نباید به خانه برد.

همان گونه که ایستاده بود، به منار یادگاری آمرصاحب می دید. به نظرش رسید که مشتری یی او را به آن سوتر به حاشیه دورترازچهارراه می خواند. به نظرش رسید که این مشتری هیبت سیاه و بدی دارد. به نظرش رسیدکه این مشتری دندان های فولادینی دارد. به نظرش رسید که این مشتری چشمان از حدقه برآمده و خونینی دارد، مانند هیولا، هیولا از فراز فرمان موتر به او اشاره می کرد.

دلش خواست نرود. آخر چشم های اوسرخ رنگ و از حدقه برامده بودند، آخر او یک هیولا بود، آخر او...

با گامهای استواردرمیان حال روزی به پیش رفت. دهانه چهار راه به نظرش دهن باز کرده بودتااورا ببلعد. برگهای درختان سبزوسط جاده به نظرش مانند دندانهای هیولای نشسته بر پشت فرمان موترآویزان شده بودندتا حلقوم اورادندان بگیرند. به نظرش رسیدکه نیرویی مرموز اورا به سوی خودمی کشاند _ نیرویی که تاحال اوبه موجودیت آن وقوف چندانی نداشت .

رفت. چند قدم دیگر رفت شاید با هیولا چند قدمی فاصله نداشت که به یک بارگی همه چیزدربرابرش متلاشی شدند. غرشی مهیب وهولناک شنید وشاخه های درختان سبز با تن آدمهایی آتش گرفتند. زندگی متلاشی شده بود. کارت های تلفن همراه دست سعید به کناری پرت شده بودندوسعیددروسط جاده بی حرکت افتاده وخون سرخ وگرم پیکراو لباسهایش را رنگ می دادند. رنگ سرخ _ رنگی که سعید آن را نمی پسندد ولی اینک با تن و امال او وخانواده اش درهم آمیخته است.

۲۰سنبله ۱۳۸۵

کابل

اسلام در یک نگاه

این مقالت را استاد توانا سه سال پیش زیر عنوان "اسلام دین کامل و جاویدان" نوشته بودند و به همین عنوان در شمارهٔ مؤرخ ۷ جوزای ۱۳۸۲ مجاهد په چاپ رسیده است خواستیم این مقالت را باری دیگر پس از وفات ایشان به عنوان پیامی دوباره به نشر بسپاریم، اما با عنوان "اسلام دریک نگاه" چون به باور ما استاد در این مقالت یک نظر اجمالی و فشرده به اسلام خاصتاً پهلوهای سیاسی و اجتماعی آن افکنده است و آن را به معرفی گرفته است، بناءً با استئذان از روح آن استاد بزرگ این عنوان را بر آن برگزیدم.

واقف حکیمی



اسلام برای آن آمده است که برهمه ادیان منحرف و مکاتب فکری و نظام های اجتماعی دیگر خط بطلان بکشد و انسان روی زمین را به پیروی از تعالیم والای خود دعوت کند **(ومن يبتغ غير الإسلام دينا فلن يقبل منه و هوفي الآخرة من الخاسرين)** "و هر که غیر از اسلام دینی دیگر بخواهد مورد قبول نیست. و او در آخرت از زیان کاران باشد" الآیه

و پیامبر گفته است: **(...لوكان موسي حيا لما و سعه إلا اتباعي)** "اگر موسی زنده می بود جز پیروی من چاره یی نداشت"، او کما قال صلی الله علیه وسلم. دین اسلام مانند مسیحیت دینی مسخ شده نیست که درکنج مسجد محبوس بماند.

اسلام در هر جایی از زندگی حضور دارد و در هر موضوعی خواه به طور خاص و مشخص وخواه به طور عام و کلی هدایتی دارد حتی اگر موضوع کاملاً جدیدی هم به میان آید. دانشمندان مسلمان مکلفند با مطالعهٔ نصوص جزئی و کلی و علل و حکم و اهداف وغایات شرعی برای آن حکمی تعیین نمایند، و در صورت وقوع اختلاف در میان علما زمامداران شرعی دول اسلامی می توانند از میان آرای علمای اسلامی هر یکی را که با روح و اهداف و کلیات شرعی سازگار تر است و منافع جامعهٔ اسلامی را بر آورده می تواند، برگزینند؛ به شرط آن که از ساحهٔ نظریات دانشمندان اسلامی بیرون نروند و در خدمت منافع استعمار قرار نگیرند و در هر تصمیمی تابع مشورهٔ عالمان پرهیزگار باشند.

اسلام مخالف تمدن و ترقی و پیشرفت علم و معرفت نیست. بل طرفدار سرسخت آن هاست. اسلام از پیشرفت علم نمی هراسد، بلکه از آن استقبال می کند و اما اسلام ترقی و تمدن و علم را در خدمت عبادت خدا و فضیلت و معنویت ومنافع روحی و جسمی جهان بشریت می خواهد.

اسلام از این مادی گرایی عملی حاکم برفضای مدنیت کنونی که منافع مادی دیگران را تابع منافع مادی خودش می داند و حتی به فیصله های ملل متحد پای بندی نشان نمی دهد، بیزار است. رحم و دلسوزی، ایثار و از خود گذری در راه خدمت به انسان ـ هر کسی واز هر جایی که باشد، بل به حیوان هم ـ جزء طبیعت اسلام است. سرور عالمیان فرموده اند **(الراحمون يرحمهم الرحمان، ارحموا من في الأرض يرحمكم من في السماء.)** "به رحم ورزان خدای رحم کند، رحم ورزید به کسانی که در زمینند تا آنان که در آسمانند به شما رحم ورزند".

جای دیگری فرمود **(من لايرحم لايرحم.)** "کسی که ترحم نمی کند مورد ترحم قرار نمی گیرد".

پای بندی به عهد نیز دراسلام از اهمیت خاصی بر خوردار است.

(يا أيها الذين آمنوا او فو بالعقود) الآیه

"ای مؤمنان به پیمان های خود وفا کنید". **(لاايمان لمن لا امانة له و لادين لمن لاعهدله)** کسی که امانت دار نیست ایمان ندارد وکسی که پیمان ندارد دین ندارد". الحدیث

آری این آیین مقدس به معیارها و ارزش های دیگران نیز توجه کرده و مسلمانان دانشمند را از مطالعه و فهم آن ها باز نمی دارد، اما هیچ معیار و ارزشی را تا در قالب خودش نریزد و آن را تعدیل نکند، نمی پذیرد. و اگر ارزشی را (مانند عرف) بپذیرد آن را با ارزش های خود عیار کرده و در ساحهٔ محدودی (مانند نذور و کفارات) و در ساحهٔ فهم مطالب مردم و درک تصرفات آنان که از مسایل جزئی قانون محسوب می شود، حاکم می سازد نه در ساحه های سرنوشت ساز و مهم.

اسلام عبارت است از حکومت خدا (جل جلاله) برخلق خدا، نه حکومت مردم بر مردم.

به هر تقدیر نظام های شاهی در اسلام نظام های مثالی (آیده آلی) نمی توانند شد و به نظر من نظام حکومت اسلامی به نظام های جمهوری قرابت بیشتر دارد

حقوق و وجایب همه رعایای دولت اسلامی ـ چه مسلمان و چه غیر مسلمان ـ در کتب اسلامی تعیین گردیده است، نه تنها از مردمان بل از حیوانات نیز.

احکام اسلامی همه منصوص نیست، بل قسمت عمدهٔ مسایل فقهی که می توان آن را احکام قانونی نامید احکام اجتهادی است. اما احکام نصی نا قابل تغییر است. در احکام اجتهادی علمای اسلامی حق انتخاب و ترجیح را دارند اما طبق معیارهای علمی اسلامی.

شاید کسانی این گونه احکام را اهمیت کم بدهند و ترک آن ها و تعویض شان را به خود جایز

اسلام با آنچه تذکر داده شد با غیر مسلمانان همیشه در جنگ و جدال به سر نمی برد، احکامی هم در اسلام موجود است که رابطهء دولت اسلامی را با دیگر دولت ها تنظیم می کند، بر پایهء این احکام دولت اسلامی می تواند با دولت های غیر اسلامی روابط خوبی داشته باشد

بشمارند ولی این کار به معنای آن است که شخصی بی آن که در علم قانون وارد باشد به خود حق دهد اجتهاد قانون دانان را از قانون نشمارد و یا نظریات ریاضی دانان را از علوم ریاضی حساب نکند.

اسلام اجتهاد را تشریع و تأیید کرده است و این به این معنی است که اسلام احکام اجتهادی را از خود می داند و با آن اهمیت می دهد. لذا مسلمانان مکلفیت دارند در زندگی شبا روزی، در نظام های اخلاقی، اجتماعی، قضایی و قانونی شان از اسلام تبعیت کنند.

در ساحهٔ قانون گذاری ـ چه قانون اساسی و چه قوانین دیگر ـ باید گفت که این کار ـ با مراعات شرایط فعلی و قدرت قلمی علمای دینی مان ـ کار قانوندانان مسلمان و علمای مذهبی است: ترتیب و تنظیم از قانوندانان و محتوی از علمای مذهبی. یعنی قانون باید از اسلام باشد، یعنی می شود از حدود مذهب حنفی نیز بیرون شد به شرط آن که این کار از طرف علمای متبحر و جامعه شناس صورت بگیرد، چه هر کسی که بینی اش را سیاه کند آهنگر نمی شود.

به نظر من هر قانونی که از اسلام (به معنی عام آن) توسط اشخاص عالم و صاحب ورع و مسلمان گرفته شود و به توشیح ولی امر شرعی برسد آن قانون قانون اسلامی است. گرچه در میان قوانین دول اسلامی تفاوت هایی موجود باشد مانع اسلامی بودن هیچ یک از آن ها شده نمی تواند. استفاده از قانون وضعی در تدوین قانون اسلامی مانعی ندارد به شرطی که با حکم اسلامی سازگار باشد.

نظام حکومت در اسلام شورایی است (وامرهم [illegible] آیهء کریمه. و بیعت به ولی امر مسلمانان نیز امری است اسلامی. تا مردم به رضا و رغبت شان بیعت نکنند کار انتخاب ولی امر تمام نمی شود. خلفای راشدین بدین گونه انتخاب شدند: مشورهٔ اهل رأی و نظر سپس بیعت همگانی در ملاء عام. [illegible] و در [illegible] کوهان او پنهان شدن کار درست و معقولی نیست.

نظام هایی که به نام خلافت ویا شاهی در عصور بعد از عصر خلافت راشده به میان آمده است از طرف رسالتماب به نام های ملوک عضوض (پادشاهان گزنده) و ملوک جبریه (پادشاهان زورگیر و زورگوی) نامیده شده اند، گرچه اطاعت از ایشان وجهاد با آنان را پیامبر خدا (ج) لازم دانسته و جنگ علیه ایشان را منع کرده است. به شرطی که این گونه حکومت ها اسلام را حاکم سازند. در غیر آن اطاعت از مخلوق ـ که در آن نافرمانی خالق باشد ـ جواز ندارد.

به هر تقدیر نظام های شاهی در اسلام نظام های مثالی (آیده آلی) نمی توانند شد و به نظر من نظام حکومت اسلامی به نظام های جمهوری قرابت بیشتر دارد.

در اخیر باید یاد آور شد که اسلام با آنچه تذکر داده شد با غیر مسلمانان همیشه در جنگ و جدال به سر نمی برد، احکامی هم در اسلام موجود است که رابطهٔ دولت اسلامی را با دیگر دولت ها تنظیم می کند، بر پایهٔ این احکام دولت اسلامی می تواند با دولت های غیر اسلامی روابط خوبی داشته باشد.

و بر اساس قاعدهٔ (تبادل منافع) با آن ها روابط بر قرار کند: روابط صلح و آشتی و روابط علمی و تجارتی و...

اسلام این را می خواهد که جلو دعوت اسلامی گرفته نشود و مسلمانان مورد تجاوز و توهین قرار نگیرند. فتوحات اسلامی در عصور طلایی اسلام این حقیقت را به اثبات رسانیده است.

تاریخ این حقیقت را نیز ثابت کرده است تا ملتی قوی و آگاه نباشد پایمال امیال و آرزوهای شوم دیگران می شود، و بر عجز و ناتوانی او هستند کسانی که رحمی نمی کنند. لذا مفکورهٔ جهاد در اسلام مفکورهٔ به جایی است و نباید بر مسلمانان و اسلام از این لحاظ خورده گرفت.

خدا ـ جل جلاله ـ مسلمانان را از گزند حوادث محفوظ و مصون دارد. آمین یا رب العالمین.

تول هېوادوال دې د جګړې د بندولو هڅه وکړي

ذکوخیل

درې لسیزې تېرېږي چې په ګران هېواد کې جګړه روانه ده. دجګړې له کورنیو او بهرنیو عواملو څخه تیرېږو؛ ځکه د جګړې علتونه ټولو ته جوت دي. موخه مې په ګران هېواد کې د جګړې د بندولو او له منځه وړلو دلارو چارو لټول او په ګوته کول دي. د یادونې وړ ده، چې له جګړې څخه هېواد وال تر پوزې راغلي او نورېږي د جګړې د ناخوالو د زغملو حوصله له لاسه ورکړې ده. وایي: "هغه ځای سوځي، چې اور پرې بلیږي." بې له شکه په دې لمبوکې ډېری افغانان سوځي، له دې امله دهر افغان په هر ځای او مقام کې چې وي ، ملي ، ایماني او اخلاقي دنده ده، چې دخپلې وسې او استعداد په کچه د جګړې په بندولو کې ارزښتناك ګامونه پورته کړي، د جګړې د بنامار له شر څخه د خپل ولس د ژغورلو هڅه وکړي، په دې اړوند خپل تاریخي رسالت ترسره کړي.

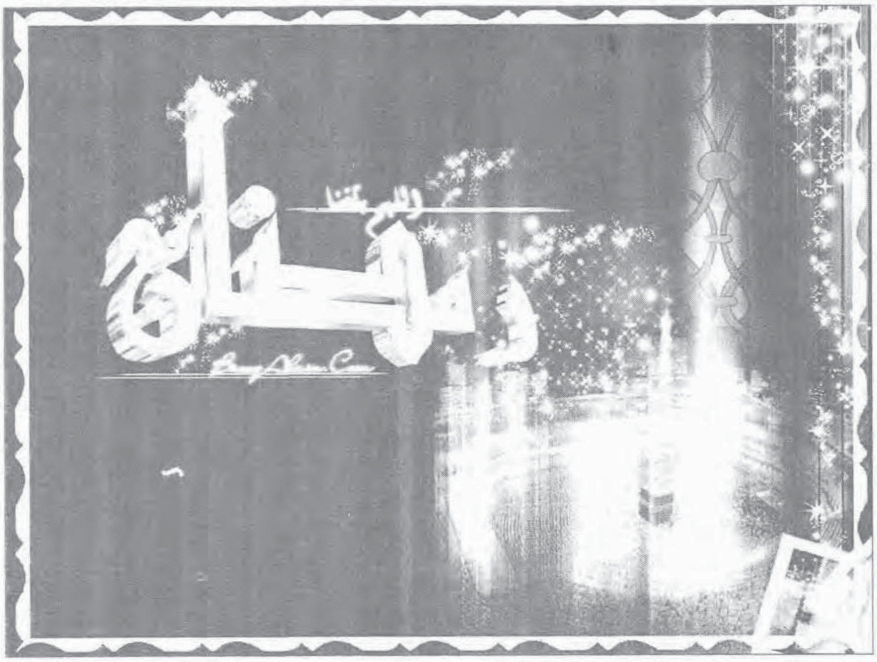
ډیری خلك عقیده لري چې یوازې افغانان کولای شي، خپل منځي ستونزې هوارې او بهرنیو دښمنانو ته د دې وخت ورنه کړي چې نور زموږ په کورنیو چاروکې لاس وهنه وکړي اودجګړې اورته لمن ووهي.

هوا دې کې شك نشته . چې افغانان د مشورو ، جرګو،مرکو او تفاهم له لارې کولای شي. دې سپیڅلي هدف ته د رسیدو لارې چارې پیدا او په هېواد کې روانې جګړې ته د پای ټکې کیږدي.

دې موخې ته د [illegible] پاره ضروري ده ، چې په [illegible] هېواد کې د اوسیدونکیو قومونو مشران ، سپین ږیري ، دیني عالمان او د نظر خاوندان لومړي په سیمیزه توګه خپل منځي ستونزې او مش[illegible] وخیرې ، پراړوندې له ځانګړو [illegible] یزونو سره یوځای د یوې سیمې په جرګات کې سره جرګه شي ،په دې مانا [illegible] لومړي د ولسوالۍ په کچه او بیا د [illegible] په کچه خپلې ستونزې د همغه [illegible] د نورو سیمو له مشرانو او ولایتي چارواکو سره شریکې کړي.کله چې د ولایت دستونزو پېژندنه وشوه او دهغې د حل لارې چارې په ګوته شوې بیا دې د ټولو ولایتونو مشران ، دیني عالمان او دنظرخاوندان د هېواد په پلازمینه کابل کې سره را ټول او د هېواد په کچه دې د سمیزو ستونزو په پام کې نیولو سره د دولت او حکومت په ګډه هڅه پرتې ستونزې وڅېړي اود حل په باب دې یې لازمې پریکړې وکړي. هرې پریکړې ته چې ورسیدل ، هغه به دافغانستان دملت پریکړه او تصمیم وي، عملي کول او پلي کول به یې هم د ملت او دولت پر غاړه وي. په دې کې هم شك نشته، کله چې ملت او دولت د ستونزود هوارولو په اړوند په شریکه او ګډه ژبه خبرې وکړي . لوی خدای (ج) یې مرسته کوي او بریالیتوبونه ورپه برخه کوي.

باید یادونه وکړو چې د جګړې د بندولو او له منځه وړلو په اړوند د دیني عالمانو پریکړې ډیر ارزښتناك دي .هیله ده چې دهېواد دیني عالمان په دې اړوند رغنده ګامونه پورته کړي اودجګړې له ناخوالو څخه خپل هېوادوال وژغوري.

احکام و مسائل رمضان



حکمت و آثار روزه

خداوند متعال روزه را برانسان ها فرض گردانید ، تا به وسیلهٔ آن از بند غرایز وهوای نفس رهایی یا بند و به عالی ترین مدارج انسانیت نایل آیند. روزه اراده وتصمیم آدمی را چنان نیرو می بخشد که درحالی که غذایی مطبوع در برابرش قرار می گیرد وزنی زیبا در کنارش زندگی می کند، وصد ها زمینه یی دیگر جهت بهره جویی برایش فراهم می آیدو اگر از همهٔ اینها استفاده کند ، هیچ کسی به جز خدای واحد ولا شریک مراقبش نخواهد بود، اما نه در خفا ونه آشکارا به این همه نعمات که خدا استفاده از آن ها را از بام تا شام در موسم روزه منع قرار داده است ، دست نمی زند و مانند عسکری تمام عیار امر الهی را مو به مو اجرا می کند ، وثابت می سازد که او دارای ایمانی قوی واراده یی خلل نا پذیر است واین همه استقامت وپایداری را از رمضان وروزه فرا گرفته است از همین رو بوده است که پیامبر رمضان را ماه صبر می خواند ومی فرماید : روزهٔ ماه صبر وسه روز از هر ماه تیرگی دل را می زاید.

اهداف ومقاصد روزه

مهم ترین مقاصد واهداف روزه این است که نفس آدمی از رذایل وپستی ها پاک شود و اخلاق او کاملا مهذب و پاکیزه گردد ، از دروغ وفساد وزورگویی بپرهیزد و به مرحله یی از انسانی برسد که هرگاه کسی او را دشنام دهد و به خشونت فرا خواند به او بگوید که "من روزه دارم ...".

انسان باید با بهره گیری از لحظه های خوب و دوست داشتنی رمضان، خود را به کارهای نیکو و اخلاق خوب عادت دهد و اثرات مثبت این ماه را در سایر ماه ها نیز در زندگی فردی و خانوادگی خود به مشاهده بنشیند .

شروط روزه

الف: اسلام، یعنی روزهٔ کافر درست نیست.

ب: پاکی از حیض ونفاس، بر زنانی که در حال حیض و نفاس باشند روزه جایز نیست، بلکه قضایی آن را بایستی بیاورند.

ج: نیت؛ یعنی ارادهٔ قلبی برای روزه داشتن، اگر شخصی بدون ارادهٔ قلبی تمام روز، از چیز هایی ناقض روزه اجتناب نماید، از این که نیت نداشته ، روزه اش صحیح نمی باشد.

فرض های روزه

در روزه از طلوع صبح صادق (بامداد) تا غروب آفتاب (شام) پرهیز از سه چیز فرض می باشد:

۱– خوردن

۲– نوشیدن

۳– لذت جنسی، البته هدف از لذت جنسی تمام انواع لذت هایی است که عادتاً باعث خروج منی می شوند.

سنت ها و مستحبات روزه

۱– سحری کردن سنت است، هر چند که بادانه یی از خرما ویا با کمی از آب باشد.

۲– خوردن سحری در آخرین وقت شب مستحب است.

۳– نیت کردن روزه پیش از طلوع صبح مستحب است.

۴– شتاب در افطار، بعد از غروب آفتاب به زودی افطار کردن روزه مستحب می باشد.

۵– افطار کردن با خرما ویا آب مستحب است.

۶– اجتناب از غیبت، سخن چینی، دروغ گویی، جنگ و خشونت وقهر در ماه روزه حتمی است، هر چند که پرهیز از چنین کارها در غیر رمضان نیز مطلوب می باشد.

مفسدات روزه

سه چیز ذیل روزه را به فساد می کشاند:

۱– خوردن

۲– نوشیدن

۳– حصول لذت جنسی، گفتنی است که امور فاسد کنندهٔ روزه نظر به نوعیت خود به دو دسته تقسیم می شود؛ یکی اموری که تنها موجب قضای روزه می گردد، و دو دیگر این که هم موجب قضا و هم موجب کفاره می شود.

مکروهات روزه

۱– چشیدن ذایقهٔ چیزی، اما اگر زنی در وقت پختن غذا ویا خریدن آن از بازار ، از ترس بد مزاجی شوهر خود، آن را بچشد باکی نخواهد داشت.

۲– چیزی را جویدن یا به دهن انداختن ، چنان که زنی برای کودک خود از روی ضرورت چیزی را می جود و نرم می کند و سپس به دهن طفل می گذارد.

۳– انجام کاری که اندیشهٔ آنقدر ضعف در آن باشد که موجب شکستن روزه شود مکروه است.

۴– لب زن را در دهن گرفتن ویا برهنه ملاعبه کردن ، هر چند خطر انزال وجماع نباشد مکروه است و اگر خطر انزال وجماع برود ناجایز می باشد.

۵– افراط در شستن دهن وبینی

۶– بدون کدام دلیل لعاب دهن را جمع کردن و آن را فرو بردن.

۷– بی صبری وبی قراری نشان دادن در رمضان.

۸– تأخیر نمودن غسل بدون کدام علت به بعد از بامداد.

۹– چیز هایی مانند پودر دندان، کریم دندان و مانند آن را در دهن نگهداشتن.

۱۰– غیبت کردن، دروغ گفتن، دشنام دادن وبر کسی ظلم کردن

این اعمال از جملهٔ گناهان خطیر است و نباید در هیچ زمانی مخصوصاً در رمضان،انسان مرتکب آن ها گردد.

۱۱– به طور قصدی گرد وغبار را در حلق جمع کردن و بلعیدن آن.

دعای افطار

اللهم لک صمت وعلی رزقک افطرت (رواه ابوداوود)

"الهی ! من برای تو روزه گرفتم و از روزی یی که تو داده یی افطار نمودم".

دعای بعد از افطار

"ذهب الظماء و ابتلیت العروق و ثبت الأجر ان شاء الله" (رواه ابوداوود)

"تشنگی گذشت، رگها سیراب گردید و اگر خدا بخواهد ثواب هم خواهد رسید".

عذر های ترک روزه

۱– سفر ۲– بیماری ۳– بارداری ۴– شیردادن ۵–شدت تشنگی و گرسنگی ۶–ضعف و پیری زیاد ۷–ترس هلاک شدن ۸–جهاد ۹– بی هوشی ۱۰– جنون.

حالاتی که خوردن روزه جواز دارد

۱– اگر بیماری و یا حادثه یی دیگر چنان به شخصی طاری شود که ادامهٔ روزه منجر به مرگ و یا شدت بیماری روزه دار گردد، در این حالت خوردن روزه جواز دارد.

۲– اگر شخص چنان گرسنه وتشنه گردد که نخوردن روزه به مرگ او بینجامد، دراین صورت شکستن روزه جایز می باشد.

۳– اگر برای زن باردار چنان وضعی پیش آید که برای خود و یا جنین او خطر بیا فریند، خوردن روزه باکی ندارد.

۴– اگر کسی یقیناً احساس کند که تداوم بر روزه خطر مرگ ویا شدت بیماری را بار می آورد، برای چنین شخص خوردن روزه روا می باشد.

فدیه

شخصی که بسیار ضعیف شده باشد ویا به گونه یی مریض است که ظاهراً برای تندرستی وی امیدی وجود ندارد و توان روزه گرفتن راهم ندارد، در شریعت به این شخص مجاز است که روزه نگیرد و در بدل هر روز آن به مسکینی فدیه بدهد.

اندازهٔ فدیه

مقدار فدیه به پیمانهٔ صدقه فطر پیشبینی شده است که شخص مخیر است آن را به شکل غله بدهد ویا قیمت آن را بپردازد، و یا در بدل هر روز صبح و شام برای یک مسکین غذا بدهد.

روزه گرفتن شش روز اول ماه شوال

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است : "هر کسی که شش روز بعد از ماه رمضان را روزه گرفت، گویا که همیشه روزه گرفته است".

در مورد روزهٔ شش شوال دو نکته قابل توجه است:

۱– روزهٔ این شش روز به صورت پیهم پس از عید فطر ضروری نیست بل هم می توان این روز ها رابه شکل متواتر روزه گرفت و هم به شکل جداگانه.

۲– بهتر است که این روزه از دوم شوال آغاز گردد، اما چنین کار از ضروریات پنداشته نمی شود.

تکلیف پارلمان ...

که این سخنان دیگر کارساز نیست و گره یی از مشکلات را نخواهد گشود.

مردم افغانستان از پارلمان چیزهایی غیر از این را می خواهند، هم اکنون در کشور نیروهای نظامی در حدود ۳۷ کشور وجود دارد و یا به نحوی به قضایای صلح و بازسازی سر و کار دارند. در موجودیت نیروهای آیساف و ناتو، دیگر نقش وزرای امنیتی چه می تواند باشد که برای پارلمان پاسخ دهد. این نیروها به طور مستقل در کشور عمل می کنند و این وزرا کمتر از برنامه های جنگی آنها اطلاع دارند، این چیزی است که بارها آنها درد دل داشته اند و مورد خشم مردم قرار گرفته اند. جای دارد که این گونه پاسخ ها قبل از همه از این نیروها به عمل آید و در یک استراتژی بزرگ مطرح گردد و مشمول همه قدرت های موجود در افغانستان گردد.

پارلمان حق دارد، از نیروهای آیساف و ناتو بپرسد که شما وعدهء صلح و ثبات را برای مردم افغانستان داده بودید، حالا با چه چالش ها مواجه می باشید، این چالش ها و موانع باید واضح گردد تا همه نیروهای خارجی و داخلی در یک چهارچوب منظم این موانع را از سر راه بردارند. تنها وزرای امنیتی را به کمیسیون ملی احضار نمودن و از آنها جواب خواستن کارساز نیست. جای دارد که کمیسیون امنیتی پارلمان تماس دایمی خویش را با نیروهای خارجی و داخلی داشته باشد تا فعالیت های آنها هماهنگ گردد و کشورهایی که بار مسؤولیت بیشتر را به دوش داوند در یک استراتژی بزرگ باب گفتگو را با آنها باز نمایند.

عدم دستیابی پارلمان به یک استراتژی باعث شده است که اخیراً تعدادی از نمایندگان خلق الله گفتگوی سیاسی و دیالوگ را با طالبان در پارلمان عنوان نمودند و آن را یگانه شانسی برای بازگشت به ثبات و امنیت در کشور خواندند. اگر واقعاً یگانه راه حل باب مذاکره و گفتگو با طالبان بوده باشد، این طرح ضمن یک استراتژی بزرگ ملی باید مطرح گردد نخست باید شرایط، زمینه و بستر این مذاکرات بررسی گردد. اما این جوّ سازی سیاسی از سوی بعضی از حلقات از سوی پارلمان، در اوضاع و احوال کنونی کشور سازگار نیست و طنین چنین صدا از داخل پارلمان بدون یک استراتژی معقول و سنجیده، نه تنها دولت را تضعیف خواهد کرد بلکه به پارلمان کشور چندان آبرو نخواهد گذاشت و یک پارچگی سیاسی که منافع ملی در آن نهفته باشد، از این صدا شنیده نمی گردد.

حکمت ها و اسرار روزه در اسلام

بخش دوم

مرحوم دکتر عبدالحی الهی

در طریقهء اشراقی و در مسلک عرفای اسلام ثابت گردیده است که انسانی که از خوردن خودداری کند نور معرفت در قلب او بیشتر می تابذ نسبت به انسان هایی که از انواع خوردنی ها استفاده نمایند



۵- تقویت دستگاه هاضمه

در بدن انسان دستگاهی وجود دارد که از دهن شروع تا روده ها ختم می شود که آنرا دستگاه هاضمه می گویند که وظیفه آن اخذ غذا، هضم کردن و جذب نمودن غذا به داخل خون است. البته دستگاه های زیادی چون دستگاه تنفسی، دستگاه گردش خون و غیره در بدن انسان طوری است که انسان نمی تواند در جریان کار آن دخالت کند. مثلا ما نمی توانیم که بالای دستگاه تنفس خود کنترل داشته باشیم زیرا کار خود را به گونهء اتومات پیش می برد. یا در کار قلب خود ما نمی توانیم که دخالت داشته باشیم. ولی ما بالای دستگاه هاضمه خود می توانیم تسلط داشته باشیم. می توانیم زیاد غذا بخوریم و یا کم غذا بخوریم یا هیچ نخوریم. اکثر وقت انسان ها به خاطر پر خوری دستگاه هاضمهٔ خود را فاسد می سازند. چون دوا و غذا از راه دستگاه هاضمه وارد خون می گردد پس فساد دستگاه هاضمه به فساد همهٔ بدن منجر می شود.

تأثیرات روحی روزه

اما روزه داری سبب می شود که دستگاه هاضمه استراحت ببیند و فاسد نگردد. واما تأثیرات روحی روزه چیست؟ روزه مانند همهٔ عبادت ها یک برنامه برای اصلاح شخصیت انسان است. یک برنامهٔ تربیتی برای تکمیل انسان است. یعنی انسان ناقص را کامل می سازد و یک برنامه برای تزکیهٔ نفس حساب می شود. با روزه داری انسان بعضی از صفات زشت خود را رفع می کند و بر عکس بعضی صفت ها و خصلت های کمالیه و صفت های نیک را کمائی می کند.

زدودن صفات بد

سستی و کسالت مثلا چیزی که سبب ممانعت کمال انسان می گردد و سرچشمهٔ همه امراض روحی به حساب می رود، سستی، کسالت و بطالت است یعنی انسان از حرکت و فعالیت بیم کند و دست از کار وفعالیت بردارد که این امر منشأ همه امراض روحی و منشأ عقب ماندگی شخصیت انسان می باشد. پس یکی از فواید روحی و معنوی روزه دور ساختن کسالت وسستی و بطالت از انسان است. هم چنان لذت جوئی و افراط کردن در لذت خواهی خود یک مرض روحی است. روانشناسی جدید ثابت می سازد که منشأ همه امراض عقلی و بیشتر امراض روحی افراط کردن در جستجوی لذت ها و خوشی هاست. انسانهایی که دایم دنبال لذت بگردند اکثر وقت نمی توانند به لذت مورد نظر برسند. و نرسیدن به لذت سبب تولید کینه و عقده می گردد و از این طریق به امراض گوناگون روحی دچار می شوند. پس انسان با روزه داری، می تواند خصلت زشت افراط در لذت جویی را از خود دور کند.

حرص و خفت نفس سومین صفت زشت که به واسطهٔ روزه داری از انسان دور می شود، حرص و خفت یعنی پستی و دون همتی است. حرص به این معنی است که انسان در طلب لذت ها و خوشی ها از حد ضرورت بیشتر تلاش کند. چه بسا انسانهایی هستند که به خاطر یک شکم غذا و نوشیدنی از خود عکس العمل نشان می دهند، خشمگین و آزرده می گردند و مناسبات شان با انسان های هم مجلس و دوستانشان، خراب می شود.

اما روزه داری به انسان چنان علو همت می دهد، چنان انسان را از دون همتی و خفت نجات می دهد که خوردنی و نوشیدنی در نظرش بی ارزش می باشد و در این مورد اصلا اندیشه و فکری نمی کند.

پرورش صفات خوب

هم چنان روزه با این که صفات زشت را از انسان زایل می کند، صفات خوب و نیک را که سبب رشد شخصیت انسان می گردد به جای آن می آورد.

قوت اراده به طور مثال یکی از صفت های نیک معنوی که به اثر روزه برای انسان خصلت و صفت می گردد قوت عزیمت است. عزم به معنی اراده است که اراده داشتن و قدرت تصمیم گیری یکی از صفات بارز و خوب انسان است. انسانی که همیش در تردد به سر ببرد و قدرت تصمیم گیری را نداشته باشد، اصلا او یک انسان ناقص است. یگانه چیزی که انسان را به مقامات عالی می رساند قدرت تصمیم گیری و قدرت عزیمت است. سه نیروی معنوی بسیار قوی در انسان وجود دارند که آنها عاطفه، فکر، واراده هستند. فکر در فیلسوف ها قوی می باشد. اراده در شخصیت های نظامی و عسکری نیرومند است و عاطفه در زنها و هنرمندان قوت بیشتر دارد. یکی از صفات فرماندهان نظامی و عسکری قوت عزیمت شان است که دارای نیروی تصمیم گیری و قدرت عزم می باشند و قرآن کریم هم انبیای عالی مقام را به نام انبیای اولوالعزم یاد می کند. خداوند در قرآن کریم به آن حضرت(ص) تعلیم نموده می فرماید: **(و اذا عزمت فتوكل على الله)** چون تصمیم گرفتی و عزم کردی توکل بر خدا کن و از عزمت منصرف نشو.

در مریض روحی ارادهٔ انسان به تحلیل می رود و تمام روز تردد بر انسان مستولی می شود.

پیغمبر اسلام صلی الله علیه وسلم در انجام کارهایی که از طریق وحی مامور می شدند هیچ تردد از خود نشان نمی دادند و در کارهایی که توسط وحی آگاه نمی شدند، استخاره می کردند به خداوند عالم زاری می کردند که خداوند این کاری را که می خواهم اجرا نمایم اگر خیر باشد، در خواب برایم آگاه بساز که آن کار را عملی سازم و اگر تو این کار را به خیرم نمی بینی نیز آگاهم بگردان و از عملی نمودن آن مرا بازدار، پس صفت اول که در وجود انسان به اثر روزه پیدا می شود قوت عزیمت است.

صبر دومین صفت خوب که به واسطهٔ روزه برای انسان پیدا می شود صبر است. صبر بدین معناست که انسان به خاطر رسیدن به مقصد و برای رسیدن به نجات مشکلات را تحمل کند، دردها و رنج ها را قبول کند. صبر از صفات نیک و ستوده یی است که اسلام آن را بهترین صفت می داند و انبیای الهی این خصوصیت را با خود داشتند. روزه دار با تحمل گرسنگی و تشنگی با وصفی که قادر به خوردن و نوشیدن غذاها و نوشیدنی های لذیذ است از خوردن و نوشیدن، خودداری می کند و صبر اختیار می کند.

قناعت سومین صفتی که از روزه نصیب انسان می شود قناعت است. قناعت بدین معناست که انسان از نعمت ها به قدر ضرورت استفاده کند و از زیاده روی و افراط در نعمت ها پرهیز نماید، در روزه خصلت قناعت رشد می یابد و انسان آدم با قناعت می گردد.

اعتدال در نعمات صفت چهارمی که از روزه داری نصیب انسان می شود که انسان از خوشی های زندگی فقط به قدر ضرورت اکتفاء نماید. از لباس، خانه و انواع غذا و نوشیدنی ها به قدر ضرورت استفاده کند که با روزه داری این خصلت در وجود انسان تقویه می شود.

مجاهده صفت پنجمی که از روزه داری انسان کسب می کند، مجاهده است. مجاهده یعنی قبول مشقت به منظور کسب رضای خداوند است. قبول مشقت به خاطر تقویهء شخصیت خود، قبول مشقت به خاطر پاک ساختن باطن خود که این ها را به نام مجاهده یاد می کنند.

مجاهده انواع و اقسامی دارد. یکی از انواع آن جهاد است. چون در جهاد تحمل مشقت و فداکاری به حد اعلای آن وجود دارد فلهذا در جهت تقویت شخصیت انسان و در جهت تزکیهء باطن انسان نهایت نقش حیاتی را بازی می کند و به همین جهت است که از افضل عبادت ها حساب می شود. روزه هم یک نوع مجاهده است. قبول رنج گرسنگی و تشنگی و قبول محرومیت به خاطر کسب رضای خداوند است و انسان با روزه داری مجاهده می کند و شخصیتش تکامل می یابد و باطنش صفا می گردد.

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم گرسنگی را بسیار تحمل می نمودند. برعلاوهء ماه مبارک رمضان در اکثر اوقات دیگر در اوایل و اواسط ماه های سال نیز روزه می گرفتند و علتش این بود که در اسلام یک حسنه ده چند پاداش داده می شود اگر آدم در یک ماه سه روز، روزه بگیرد در حقیقت یک ماه روزه گرفته است و به این ترتیب در طول عمر آن شخص روزه دار حساب می شود

ریاضت صفت ششمی که روزه داری به انسان می بخشد ریاضت است، ریاضت یعنی ورزش روحی است، ریاضت برای رسیدن به مقاصد عالی و برای تزکیهء نفس و باطن امر حتمی محسوب می شود. انسان از طریق ریاضت به تمرین می پردازد و قوهء مورد نظر باطنی اش تقویت می یابد. روزه داری خود یک ریاضت است. با روزه گرفتن در یک ماه صفات خوبی که فوقاً ذکر شد رشد می یابد و در وجود انسان تقویت می یابد.

فوائد اجتماعی روزه

از لحاظ اجتماعی نفع روزه من حیث یک مکتب تربیتی واضح و آشکار است در ماه مبارک رمضان صدقات، سخاوت، کرم و بخشش دوستان خدا زیاد می شود و از برکت این ماه تعداد زیاد فقرا و مساکین از مشکلات نجات پیدا می کند. نفع اجتماعی دیگر روزه این است که در ماه مبارک روزه از میزان جنایت کاسته می شود. در همه کشورهای اسلامی در ماه مبارک رمضان که جوامع مسلمین روزه دار می باشند. میزان گناه چون قتل، آبرو ریزی و تعرض به حیثیت مردم، دزدی و... تقلیل می یابد.

در طریقهء اشراقی و در مسلک عرفای اسلام ثابت گردیده است که انسانی که از خوردن خودداری کند نور معرفت در قلب او بیشتر می تابد نسبت به انسان هایی که از انواع خوردنی ها استفاده نمایند. پس روزه داری در حصول معرفت خدا و روشن شدن دل نقشی مهم دارد. چنانچه مولانای روم می گوید که اگر انسان از خوردن خود داری کند، از غذاهای مادی صرف نکند، آن وقت قلب او لقمه های نورانی می خورد یعنی لقمهء نور معرفت را می خورد. قلب انسان به خوی خدا و به اسماء و صفات خدا خوبتر معرفت حاصل می کند. مولانای روم مثالی می آورد که وقتی یک طفل شیر خوار را مادرش از شیر خود محروم می کند در اثر قطع شدن شیر مادر از طفل، آن طفل غذا خوار می شود و انواع غذاها و نوشیدنی ها را خداوند برای طفل که از یک نوع غذا (شیر مادر) محروم گردیده، آماده می سازد. پس مولانای روم تأکید می کند که اگر انسان از خوردن غذای مادی خودداری کند و روزه بگیرد، خداوند عوض غذای مادی و لقمه های روحی برای آن شخص مقرر می کند و لقمه های نور را برایش مقرر می کند. باز مثنوی مثالی دیگر می آورد که آهوی ختن تبدیل به مشک ختن می گردد اما در دیگر آهوان و حیوانات این کار صورت نمی گیرد. پس غذای مادی هم در وجود انسان روزه دار مثل گیاهی که در آهوی ختن تبدیل به مشک ختن می شود، تبدیل به نور معرفت می گردد. همچنان مولانا می گوید: جوع مر خاصان حق را داده اند. یعنی تحمل گرسنگی و تشنگی کار هر انسان هرزه نیست و تحمل گرسنگی و تشنگی کار خاصان خدا و کار کسانی است که خداوند آنها را برای دوستی برگزیده است.

قرآنکریم روزه را برای مسلمان فرض ساخته است و نه تنها که روزه بالای امت پیغمبر آخرالزمان فرض گردانیده شده است بلکه بر دیگر امت های انبیای گذشته نیز روزه فرض بوده است.

در حدیث شریف است که خداوند می گوید در بین عبادت های بنده "روزه خاص برای من است و من پاداش آن را می دهم". یعنی پاداش و جزای دیگر عبادات و اعمال نیک از طرف شرع تعیین گردیده اما پاداش روزه نظر به عظمت و بزرگی جزای آن مستقیماً به دست بلاکیف خداوند ج و بدون تعیین اندازهء آن برای روزه داران داده می شود.

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم گرسنگی را بسیار تحمل می نمودند. برعلاوهء ماه مبارک رمضان در اکثر اوقات دیگر در اوایل و اواسط ماه های سال نیز روزه می گرفتند و علتش این بود که در اسلام یک حسنه ده چند پاداش داده می شود اگر آدم در یک ماه سه روز، روزه بگیرد در حقیقت یک ماه روزه گرفته است و به این ترتیب در طول عمر آن شخص روزه دار حساب می شود.

اما صیام دهر یا روزهء پیاپی از لحاظ شریعت اسلامی ناجایز است چون اسلام حقوق جسم و خانواده و اجتماع را هم رعایت می کند.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد.
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضاي خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهلت در راه‌خدا ز علي‌ترين آرزوهاي‌ملت

دور هفتم | سال پنجم | شمارهٔ بیست و سوم | چهارشنبه ۵ میزان ۱۳۸۵ | ۵ رمضان المبارک ۱۴۲۶ – September 27 , 2006

د جګړې د پای ته رسیدو ورځ به کله لمانځو؟

سوله پال

د ۱۳۷۵ کال د میزان پر پنځمه مابنام مهال طالب ځواکونه پر کابل رانوتل او د افغانستان په تاریخ کې یو نوی باب پرانستل شو.

د طالبانو امارتي نظام هېوادوالو پخپلو سترګو لیده او نړیوال تري له لرې نه خبرېدل پر ملت هغه کاني وشوي چې لیکلوته يې دلته اړه نه شته.

اوس طالبان د تاریخ یوه برخه ګرځېدلی او له عبرتونو ډك څه يې پرې اېښي دي. اوس چې مونږ د طالبانو له راپرځولو نه نژدې پنځه کاله وروسته مهال کې پراته یو، او د پروژوي دموکراسۍ باد هم راباندې لګېږي، په ښه توګه د طالبانو او مجاهدینو کړه او اوسنۍ بهیر شنناې شو.

طالبانو چې پرڅه ایمان درلود. هماغسې يې کول. او په لیکو کې يې یو ډول یو رنګوالی و. چې له وزیر نه نیولې تر جنګیالي پورې يې د خوراك، څښاك، اغوستن او اوسیدنی په باب فاحش توپیرنه و او نن ګوروچې له طالب نه د طبقاتي ژوند یوه بیلګه نه ده پاتې خو له طالبانو د راوروسته دولتي مسوولینو او هغوی چې له طالبانو سره مخامخ جګړه کوله. که د عدالت له پلوه، د دوی ژوند ته ګورو، نو د ټولنې د عادي وګړي، مجاهد او یا هغه عسکر چې په لومړی خط کې جګړه کوي. د ژوند سطح يې له مسوولینو څخه په فاحش توپیر کې ده. او ښايې همدا طبقاتي واټن وي، چې زمونږ چارې سلیښت نه اخلي او ورځ تر ورځه ځینې برخې رانه شرېږي.

هغوی چې له ترهګرۍ سره د مبارزې په نامه له نړیوالو ځواکونو څخه مالي مرسته تر لاسه کوله، که چیری دوی دا شتمني د خپلې لارې پر جنګیالیو لګولې وای او د دوی ژوند ته يې پام وای: نو نه به د ځمکو غصب رامنځ ته کېده او نه به دومره کیني: نو ځکه مجاهدینو ته ښايي چې په دې هکله خپل حقوق تر لاسه کړي.

دغسې دولتي چارواکي هم که د خپل ژوند مصارف د ټولنې له فقیر سره ونه سنجوي او د ټولنې د عادي وګړي غوندې ژوندونه کړي: نو هیڅکله به د واقعي نظام جوړوني وړې شرې نه شي.

اوس مهال د طالب او غیر طالب په نامه یو ځواك شته چې راتوکېدلی او په هر ځای کې دولت ته ګواښېدای شي دا چې د کومو عواملو له مخې داسې حالات بیا راغلل په دې نه ګړیږو. خو را به شو دېته چې څنګه مونږ په خپلو کې جوړ جاړي ته ورسیږو: طمع ده، چې زمونږ ټولې لیکنې او فعالیتونه همدې لورې ته ورسیخ شي او داسې یو هر اړخیز او ملي غورځنګ جوړ شي چې په خپل وطني دود اوسني کړکیچن حالت ته د پای ټکی کیښودل شي.

له ټولو روښانفکرانو، د رسنیو له مسوولینو، د ولسي او مشرانو جرګو له غړیو او ګردو وطنوالو هیله ده، چې همدا سږ کال د میزان پنځمه د همدغسې فعالیتو د پیل ورځ وي او د راتلونکی کال د میزان پنځمه په هېواد کې د جګړې د پای ورځې په توګه ولمانځل شي.

مشرف در کتاب "درخط آتش":

کرزی نتوانست مانع پیوستن مردم کشورش به طالبان شود

طراح حملات ۱۱ سپتامبر با انفجارهای لندن ارتباط داشته است



پرویز مشرف در خاطراتش نوشته است: طراح اصلی حملات ۱۱ سپتامبر۲۰۰۱ با انفجارهای انتحاری سال گذشته در متروی لندن ارتباط داشته است.

خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) به نقل از خبرگزاری فرانسه، گفته است پرویز مشرف، رئیس جمهور پاکستان در کتاب "در خط آتش" خود آورده است: خالد شیخ محمد که در سال ۲۰۰۳ در پاکستان دستگیر شده بود، اقرار کرده است القاعده همزمان با انفجارها در متروی لندن در حال برنامه‌ریزی برای عملیات در فرودگاه هیتروی لندن بوده است.

در این کتاب آمده است: یکی دیگر از افراد القاعده که از سوی محمد برای عملیات شناسایی اعزام شده بود بعدها از ارتباطش با دو بمب گذار انفجارهای هفتم جولای سال ۲۰۰۵ در لندن خبر داد.

مشرف نوشته است: ما از محمد شنیدیم که طراحان القاعده دربارهٔ عملیات فرودگاه هیترو و همچنین سیستم متروی لندن بسیار جدی بوده‌اند. محمد به این فرد گفته بود تا پس از عملیات شناسایی و تجسس طرحی را برای حمله به فرودگاه هیترو و سپس حمله به سیستم متروی لندن و کاناری وارف canary wharf آماده کند.

در کتاب مشرف آمده است: این فرد در زمان طراحی حملات انگلیس با اسامه بن لادن، رهبر شبکهٔ القاعده در تماس بوده است.

محمد پس از دستگیری در راولپندی پاکستان به آمریکا تحویل داده شد و بر اساس گزارش‌های واصله وی هم اکنون درگوانتانامو در حال محاکمه است.

مشرف به نام فرد مرتبط با محمد اشاره نکرده است اما گمان می‌رود این فرد نعیم نورخان، کارشناس کامپیوتر باشد که اواسط سال ۲۰۰۴ در لاهور دستگیر شد و محل نگهداری وی مشخص نیست.

مشرف در کتابش آورده است: پاکستان به انگلیس دربارهٔ اطلاعات موجود در لپ تاپ این فرد درخصوص توطئه‌های ترور و همچنین دسترسی مستقیم به خان اطلاعاتی ارائه داد.

رئیس جمهور پاکستان بدون اشاره به زمان خاصی گفت: پس از آن مشخص شد که این فرد با صدیق خان و شهزاد تنویر، دو جوان انگلیسی پاکستانی الاصل که خودشان را هفتم جولای در متروی لندن منفجر کردند، ارتباط داشته است.

اما مشرف از انگلیسی‌ها به دلیل عدم ارسال اطلاعات در خصوص تنویر و صدیق خان به پاکستان مگر سه هفته پس از این بمب‌گذاری‌ها و با وجود این که این دو ۱۷ ماه قبل شناسایی شده بودند، انتقاد کرده است.

خبرگزاری رویتر نیز اعلام کرد: رئیس جمهور پاکستان گفته است که با نصایح مشاورانش در خصوص نوشتن خاطراتی که می‌تواند خشم هند و افغانستان را به دنبال داشته باشد و تهدید آمریکا برای بمباران کشورش و بازگرداندن پاکستان به عصر حجر، مخالفت کرده و این کتاب را نوشته است.

کتاب مشرف تکذیبهٔ بوش را به دنبال داشت و تعجب هند را نیز برانگیخته است، اما مشرف اظهار داشت: موضوعات امنیتی حساس تنها موضوعاتی بوده که وی از بیان آن‌ها پرهیز کرده است.

مشرف در شورای روابط خارجی در نیویورک گفت: اکثر مردم در حقیقت مخالف نوشتن این کتاب در این زمان بودند، اما من به عنوان یک رهبر نظامی تصمیمی بر خلاف نصایح آنها اتخاذ کردم.

مشرف همچنین با ابراز خشم از این اظهارات که کشورش مخفیگاه شبه‌نظامیان طالبان است و با انتقاد از حامد کرزی، رئیس جمهور افغانستان گفت که وی در دور نگاه داشتن مردم از طالبان ناکام بوده است.

تکلیف پارلمان و استراتژی دفاعی کشور

پوهندوی عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

ظرف چند دههٔ اخیر مردم افغانستان همواره دستخوش برنامه هایی از سوی احزاب و حکومت ها قرار گرفتند، تعدادی آمدند و با سراسیمگی تمام با مردم جنگ را آغاز کردند. از حزب دین درست کردند و اهداف آن را مقدس گفتند و میخ ایدئولوژیک بر فرق مردم کوفتند و همه ارزش های اسلامی و ملی را یکسره محکوم کردند. فقط شعار دادند و پای کوبی کردند، تا این که مردم عمق فاجعه را درک کردند، خون دادند و جان بخشیدند و به آزادی کشور دست یازیدند.

کشورهایی که در دوران جهاد و مقاومت مردم افغانستان را کمک و همیاری می نمودند، حکومت مجاهدین را نه تنها کمک نکردند بلکه در جهت تضعیف آن بر آمدند که در نتیجهٔ آن جریان طالبان در کشور شکل گرفت و فاجعه آفرید. مردم افغانستان روزهایی به کنفرانس بن چشم دوختند، اداره های موقت و انتقالی را تجربه کردند و باری هم لویه جرگهٔ اضطراری و لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی در کشور را، حلال مشکلات خواندند و زمانی به انتخاب رئیس جمهور، ایجاد شورای ملی امید بستند. اما امید بیشتر مردم به پارلمان کشور دوخته شده بود؛ زیرا یگانه تکیه گاه مردم و دموکراسی پارلمان کشورهاست. اما امروز عدم کارآیی، خواب آلودگی پارلمان، خرتاس کشیدن ها، بحث های بی مورد، وقت گذرانی مردم افغانستان را سرافگنده ساخته است.



امروز مردم می گویند، تعدادی از اعضای پارلمان قادر نیستند، حتا کوچکترین واژه های حقوقی را درک کنند، اینها آمدند تا اسپ ها و قاطرهای خود را به آخورهای بلند ببندند.

مردم حق دارند در مورد فیصله های شورای ملی قضاوت کنند و توقع کارهای مهم را از این پارلمان داشته باشند. اما تکلیف پارلمان افغانستان نسبت به هر زمان دیگر بیشتر است، زیرا مردم افغانستان تا هنوز از یک جو نا مناسب جنگی رهایی نیافته اند و ایجاد این پارلمان بالنسبه از یک شرایط صلح آمیز حکایه می کند. جای دارد که این پارلمان پایه های ثبات را در کشور محکم بکوبد و برای امنیت دایمی یک استراتژی ملی را طرح، تدوین و در عمل پیاده نماید و غبار کدورت را از جبین مردم کشور پاک سازد.

هنوز دیر نشده است باید کوشید تا زمینه های بازگشت امنیت، شرایط و بازسازی نیروهای ملی را جستجو کرد. دیگر جای ندارد که پارلمان وقت خود را به کارهای تبلیغاتی، و کلی گویی تلف نماید. دیگر دوران رجز خوانی به پایان رسیده است. از زمان استقرار پارلمان جدید در کشور، بارها بحث امنیت در آجندای کار این نهاد قانونگذار قرار گرفته و در روزهای اخیر دنبالهٔ این بحث جدی گرفته نشده است، با حسرت و دریغ، این پارلمان تا هنوز که هنوز است نتوانسته به یک استراتژی امنیتی قابل قبول دست یازد.

ما حصل این بحث ها این بوده است که وزرای امنیتی در کمیسیون امنیتی فراخوانده شوند و استجواب گردند و تعدادی هم به استضیاح آنها در مجلس عمومی سخن گفتند، **ادامه در ص۶**